



دوشنبه ۲ دی ۱۳۶۳ برابر ۲۴ دسامبر ۱۹۸۴  
پها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۳۸

## ششم دی ماه، سالروز آغاز مرحله نوین تاریخ انقلاب افغانستان

امین و طرفدارانش، این سگهای زنجیری نادرشاه، ظاهر شاه و داوود شاه، این مزدوران امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، نابود گردید. از این دژها، هیچ سنگی روی سنگ دیگر نماند. در میهن محبوب مسأله آخرین بقایای دژستم ملی و اجتماعی فرو می ریزد.

حقیقت الله امین، ماجراجو و توپخانه گرس سیاسی، اندکی پس از پنهانگذاری حزب دمکراتیک خلق افغانستان، در سال ۱۹۶۵، به صفوف حزب رخنه کرد، وحدت حزب خدشه دار شد و حزب، به دو جناح که هر یک مستقل عمل می کرد، تقسیم شد. بقیه در صفحه ۴

ششم دیماه سال ۱۳۵۸، بزرگ کارمیل از طریق رادیو کابل، مردم افغانستان را مورد خطاب قرار داده و گفت: "پس از رنجها و دردهای بسیار و بالاخره برای همه خلقهای برادر افغانستان روز آزادی و رستاخیز فرا رسید. امروز، دستگاه شکنجه امین و عوامسل او، این دژخیمان غاصب و جنایتکار، که هزاران تن از هموطنان ما، پدران، مادران، برادران، خواهران، پسران و دختران، کو دکان و سالخوردهگان را به قتل رساندند، نابود شد. این دستگاه خونخوار تا آخرین قطعه خونینش درهم شکسته شد. دژهای سلسله خونخوار

## تنها جمهوری اسلامی نیست که از رشد جنبش کارگری به وحشت افتاده است

طبقه کارگری پیش می تازد. هر روز که می گذرد، پروتاریای قهرمان میهن ما، متحدتر، مصمم تر، متشکل تر و با شعارهایی شفاف تر، پادرمیضان نبرد می گذارد. جنبش طبقه کارگر، هم اکنون نیز رشد یافته ترین بخش جنبش سوده ای، در سالهای اخیر است.

پروتاریای ایران، اکنون پیش از هر شیوه دیگر، از سلاح سنتی و توانمند اعتصاب استفاده می کند. توسل به اعتصاب، سریعاً مبارزه این طبقه را در سطح جامعه انعکاس داده و کارهای مبارزاتی دیگر را خلق را با لایمی برد. کارگران به پشتیبانی از یکدیگر می خیزند و بدین سان بعنوان طبقه ای فاطم و متحد، در میان همه دشمنان خویش، تخم وحشت می پراکنند.

اعتصاب کارگران در آب آهین اصفهان، بی گمان یکی از قراهای جنبش کارگری میهن ما در شرایط کنونی است. خبر این اعتصاب قهرمانانه و جنبشهای جمهوری اسلامی، سریعاً در همه جا پخش شد. کارگران کارخانه های دیگر با شور و حرارت، جریانی این اعتصاب را پی می گرفتند و در مواردی آشنا به پشتیبانی از آن برخاستند. دیگر اقشار خلق نیز با اشتیاق تمام، خبر این اعتصاب را دهان به دهان، به همه نقاط کشور رساندند و بدان به چشم یک حرکت دارسازنگریستند. خبرهای رسیده از ایران، حاکی از آن است که در اکثر محافل و مجامع، از جمعهای خانوادگی گرفته تا محل های کار و تردد، از این اعتصاب سخن گفته می شود و از شجاعت کارگران اعتصابی، تمجید به عمل می آید.

روزنامه ها و رادیو و تلویزیون رژیم، بقیه در صفحه ۲

### سه ماه از مبارزه

### کارگران کشت و صنعت مغان

در صفحه ۷

### تناقض های بازار نفت

در صفحه ۱۴

## بازتاب جهانی اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان

در ایران "خبر می دهد که" بیش از ده هزار کارگر ذوب آهن در اصفهان ایران، هفته گذشته را در اعتصاب به سر برده اند. پاسداران امنیتی به یک تجمع از کارگران اعتصابی حمله نموده و ده نفر از آنان را دستگیر می کنند. بر طبق آخرین اخبار، مقامات دولتی هنوز موفق به پایان دادن به این اعتصاب نشده اند.

★ هفته نامه "امانیت" دی ماهی به دنبال درج خبر اعتصاب در روزنامه "امانیت" ارگان حزب کمونیست فرانسه، در شماره ۹ دسامبر خود چنین می نویسد:

"اخباری که اخیراً از ایران می رسد، حاکی از وقوع اعتصاب در موسسات مختلف است. بقیه در صفحه ۲

## پیام های پشتیبانی از کارگران اعتصابی

در صفحه ۲

## مروری کوتاه بر برنامه های تلویزیون جمهوری اسلامی

تلویزیون ج ۱۰ به عده ترین ابزار جنگ روانی - فرهنگی مرتجعین حاکم پسا توده های مردم تبدیل شده است. نفرتی که امروز تلویزیون رژیم به لحاظ خط مشی ارتجاعی حاکم بر آن در جامعه پراکنده است، ریشه در تضاد عمیق جامعه با چارچوب و مختصات اندیشه و فرهنگ بخایت عقب مانده حکام قرون وسطایی دارد. تار و پود فرهنگ حاکمیت، بطور خلاصه بر زمینه ستیز جنون آمیز با تمام مظاهر زیبایی و بالندگی در عرصه های طبیعت و زندگی اجتماعی تنیده شده است. اکنون دیگر، فرهنگی که تداوم حیات پوسیده خود را بر بستر تبلور مرگ و تعزیه و شیون بقیه در صفحه ۶

## پیام های تبریک به کمیته مرکزی سازمان

به مناسبت برگزاری پیروزمندان پلنوم

در صفحه ۳

## "قانون خدمت وظیفه عمومی" تلاش دیگری برای گرم نگاه داشتن تنور جنگ!

در ماه گذشته، رژیم جمهوری اسلامی "قانون خدمت وظیفه عمومی" را که در مهرماه از تصویب مجلس رهش گذرانده بود، به اجراء آورد. این اقدام قبل از درجیز بخوبی میانگس شکست های پیاپی رژیم در بکارگیری ترفندهای رنارنگ برآه، کشاندن جوانان به جبهه های جنگ است. اکنون رژیم با تهیه و اجرای این قانون می کوشد تمام درها را بر روی جوانان بسته و فقط راههای جبهه را بازگذارد.

سرهنک رزمجو رئیس اداره نظام وظیفه بقیه در صفحه ۱۰

### تبریک سال نو به ایرانیان

آغاز سال نو میلادی را به هم میهنان مسیحی شادباش می گوئیم. پیروزی، بهروزی و شادکامی آنان و همه نیروهای صلح دوست و ترقیخواه جهان را در سال جدید، آرزو مندیم.

# متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپاخیزیم!

## تنها جمهوری اسلامی نیست که از رشد جنبش کارگری به وحشت افتاده است

بقیه از صفحه اول

ناملا در مورد این اعتصاب سکوت کردند. جرات لجن پراکنی هم نداشتند. چنین است صلابت رزم طبقه کارگر! نیروهای انقلابی، بویژه سازمان ما، حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران، در جهت بازتاب دادن خبر اعتصاب، چه در داخل ایران و چه در سطح بین المللی، تلاش شایسته ای به عمل آوردند. اما حرکت طبقه کارگر، همان سان که اردوی انقلاب را به وجد می آورد، بورژوازی و ارتجاع را هراسان می سازد. برخی از نشریات پرمایه های رژیم سابق نیز، خبر اعتصاب کارگران ذوب آهن را، منعکس کردند. اما به چه شیوه ای با حالت ترس و وحشت!

کیهان چاپ لندن - که با پول عربستان و خط "سیا" انتشار می یابد - سرمقاله شماره ۲۵ خود را به این موضوع اختصاص داده است. گردانندگان این نشریه - برخلاف تیمسارهای کودن شاهنشاهی که امروزه برخیشان روزنامه نگار شده اند - آنقدر شعور دارند که اهمیت رشد جنبش کارگری را دریابند. و به همین دلیل با وحشت بدان می نگرند. آنها یکباره یادچنگ ایران و عراق افتاده و با رژیم جمهوری اسلامی هم صدا شده اند که در شرایط جنگی نباید دست به اعتصاب زد! کیهان صباح زاده، طبقه کارگر را نصیحت می کند که نباید "در شرایط جنگ، بادشمن خارجی، موج اعتصاب هاراتا جایی کشاند که خدای نکرده، سبب شکست کل مملکت شود!" آری، تنها جمهوری اسلامی نیست که از رشد جنبش کارگری به وحشت می افتد. صلابت و آینده این جنبش، شاه مدفون رانیر درگور، می لرزاند!

## پیام های پشتیبانی از کارگران اعتصابی ذوب آهن اصفهان

با صد و رقطعه نامه ای از کارگران اعتصابی اصفهان پشتیبانی کردند. قطعه نامه این معدنچیان که خود نیز در اعتصاب بسر می برند، توسط باب موریسون هماهنگ کنند ما اعتصاب معدنچیان را مضاعف شد.

بیانیه پیرزانسو، دبیر کنفدراسیون

فرانسوی کار (C.G.T.)

درباره جنبش اعتصابی در ایران

اعتصاب بیش از ده هزار زحمتکش مجتمع ذوب آهن اصفهان، نشانه رد سیاست های خمینی توسط زحمتکشان ایران است، سیاستی که در تمامی زمینه ها شرایط کار و زندگی همه توده های رنجبر را وخیم تر می کند.

اعضا و سازمان های کنفدراسیون فرانسوی کار (C.G.T.) که مدافعین و فادار حقوق بشر و آزادی های سندیکایی و دمکراتیک هستند، این رژیم را که تنها از طریق اعمال نفوذ انگیزترین نوع سرکوب علیه مبارزان راه آزادی و دمکراسی به حیات خویش ادامه می دهد، محکوم می کنند.

زحمتکشان ایران می توانند مطمئن باشند که "ش.ژ.ت" با آنان احساس همبستگی کامل می کند و فعالیت های خویش را، در جهت پایان دادن به سرکوب، اختناق و شکنجه و نیز برای آزادی همه زندانیانی که گناهشان دارا بودن عقیده و آرمان دیگری است، به پیش می برد. زندانیانی که دادگاه های فرمایشی شان، نمی تواند سروشی باشد برلکه مال شدن سیستماتیک حقوق بشر از طرف رژیم تهران.

مونتروی - ۱۲ دسامبر ۸۴

خبر اعتصاب عظیم کارگران ذوب آهن اصفهان توجه سندیکاهای کارگری در کشورهای مختلف را به خود جلب نموده است. به دنبال پخش خبر اعتصاب و اعمال جنایتکارانه رژیم، نامه اعتراضی ژنرال سوسی سندیکای فلرکاران جمهوری فدرال آلمان (شعبه اسن) برای سفیر جمهوری اسلامی در برن فرستاده شد:

"جناب آقای سفیر!"

با نگرانی بسیار مطلع شدیم که دولت جمهوری اسلامی ایران، ده هزار کارگر ذوب آهن دولتی اصفهان را - که برای حقوق سندیکایی و دمکراتیک خویش مبارزه می کنند و خواستار حقوق اجتماعی، رعایت حقوق بشر و بهبود شرایط زندگی و محیط کار خویش هستند - توسط ارتش اسلامی با خشونت سرکوب می نماید.

در عین حال مطلع گشته ایم که حکومت جمهوری اسلامی با اپوزیسیون و نیروهای دمکراتیک در کشور، به نحو وحشیانه ای مقابله می کند. ما شدیداً "علیه اقدامات ضد انسانی و ضد کارگری حکومت اعتراض کرده و همبستگی خود را با کارگران ذوب آهن اعلام می داریم."

ما خواهان آزادی فوری کارگران ذوب آهن اصفهان هستیم.

همبستگی با اعتصاب ده هزار نفری کارگران ذوب آهن!

امضا: کارل هاینس فولکر

چنین نامه ای نیز از سوی سندیکای کارگران چوب و مصنوعات آلمان فدرال خطاب به سفیر جمهوری اسلامی در این کشور، انتشار یافته است. در بریتانیا اتحادیه معدنچیان ناحیه دنت

## بازتاب جهانی اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان

بقیه از صفحه اول

مهمترین آنها اعتصابی است که ۲ هفته پیش در مجتمع ذوب آهن اصفهان شروع شد و بخشهای مختلف آن را در برگرفت. حدود ۲۰ هزار نفر از کارگران، خواهان افزایش دستمزد و متوقف کردن روند اخراج کارگران هستند. کارکنان پالایشگاه اصفهان و کارخانه فولاد مبارکه (نزدیک اصفهان) با اعتصابی بین اعلام همبستگی نمودند. آخرین خبرها حاکی از آماده شدن مقامات مسئول، برای درهم شکستن این حرکت، بویژه از طریق تعطیل کردن کارگاه های در حال اعتصاب است.

در طی آماه گذشته در کارخانه های ایران، بیش از ۱۰۰ مورد اعتصاب مشاهده شده است. از میان آنها بویژه می توان اعتصابات

کارگران عبارتند از: افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار و بهره تدوین قانون کار واقعی در مخالفت با آنچه که حکومت می خواهد به کارگران تحمیل کند و در واقع هم سنخ قانون کار زمان رژیم سلطنتی است."

روزنامه "مورینگ استار" ارگان حزب کمونیست بریتانیا نیز طی مقاله ای با عنوان "ایران، به اعدام ده تن اعتراض می کند" این رویداد را بازتاب داد. در این مقاله که در روز چهارشنبه ۱۹ دسامبر منتشر شد، سپس از اعلام اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان، خبر برگزاری پلنم کمیته مرکزی سازمان نیز منعکس گردید. متن این مقاله را در صفحه ۱۲ می خوانید.

در شماره های بعدی نشریه، انعکاس خبر اعتصاب را در روزنامه های دیگر، پی خواهیم گرفت.

کارخانه لولمسازی جنوب تهران، کارخانه کانادای که چند هزار نفر کارگر دارد، کارخانه صنعتی جنرال، کارخانه جنرال الکتریک و مجتمع کشت و صنعت مغان واقع در آذربایجان را نام برد. در کارخانه های لاستیک سازی کیان تایر و نیز کارخانه مونتاژ "خودروسازان" واقع در حومه پایتخت، اعتصابی ۴۸ ساعته انجام گرفته بود. لاجوردی دادستان مخوف زندان اوین به کارخانه رفته و کارگران را تهدید کرده بود که: "اگر به اعتصاب ادامه دهید، همتان را به رگبار خواهیم بست." علی رقم این تهدید، مبارزه ادامه یافت.

در تمام این اعتصابات، مقامات اقدام به دستگیری کارگران کردند. خواستهای عمده

## پیام‌های تبریک به کمیته مرکزی سازمان به مناسبت برگزاری پیروزمندانۀ پلنوم

در شماره گذشته پیام‌های شاد باش. تشکیلات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هرمزگان و سیستان و بلوچستان را به کمیته مرکزی سازمان به مناسبت برگزاری پلنوم اخیر، منتشر کرده بودیم. در این هفته پیام کمیته کرمان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به دست ما رسید که بخش‌هایی از آن را به شرح زیر درج می‌کنیم.

### رفقای کمیته مرکزی!

پر شورترین درودهای رفیقانه ما را به مناسبت برگزاری پیروزمندانۀ پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان بپذیرید.

این رویداد شادی آفرین در پی برگزاری پیروزمندانۀ هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ما ایران، بیانگر عزم راسخ گردانندۀ جنبش کمونیستی ایران در ادامۀ راه رهایی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان محسوب می‌شود.

پیروزی پلنوم مهرماه از طرفی در هشیاری انقلابی رهبری، درموشکافی خط مشی گذشته و حال و تعیین مناسب‌ترین تاکتیک‌ها در جهت تشکیل جبهه متحد خلق و مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم، عوامل داخلی و ارتجاع حاکم در مقطع کنونی می‌باشد و از طرف دیگر در تکوین سازماندهی جدید کادرها، اعضا و هواداران در مناسب‌ترین شکل منطبق بر

شرایط خفقان حاکم می‌باشد که به فعالیت گسترده تبلیغی نیروهای سازمان در بیست و توده‌های مردم منجر گردیده است.

### تغیای حزب

شعری از: پابلونودا

توبه من عاطفه برادری بخشیدی  
نسبت به آنانی که نمی‌شناختمشان  
توبه من نیرویی دادی که همه زندگان با آن  
می‌زنند

تو چنانکه به هنگام زایش  
یک بار دیگر من

میرم راعطاکردی  
توبه من آن آزادی‌رادی

که انسان منفرد از آن بی‌بهره است  
توبه من آموختی نیکی را چون شعلای فروزان  
توبه من همان بالایی راست‌رادی

که درختان راست  
توبه من آموختی یگانگی مردم و تفاوت‌آنان را  
بازشناختن

توبه من آموختی چگونه در یک تن  
در پیروزی هیکان محیی شود

تو گذاشتی بر حقیقت تغییر نسیم  
چو نانکه بر صخره‌ای

تو مرا دشمن سفلان ساختی و خصم یغماگران  
تو پرتو جهان و امکان شادی را به من شناساندی

تو مرا تباہی ناپذیر ساختی  
زیرا با تو من

برای هستی خویش پایانی نمی‌بینم.

### رفقای رهبری!

ما استوار و صمیم با روحیه‌ای عالی و پر شور به راهی که شما در پلنوم نشان داده‌اید گام می‌گذاریم و آماده ایم هستی ما را و شوق شرف و حیثیت سازمانی کنیم که ریشه‌اش از خون بیژن‌ها و حمید اشرف‌ها آب‌خورده و به راه‌آرانی‌ها و روزنه‌ها رهسپار شده است.

پیروزی‌ها و ستاردهای پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درود بر کمیته مرکزی پر افتخار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

کمیته استان کرمان آبان ماه ۱۳۶۳

پلنوم مهرماه در میان فعالین فدائیان و هواداران سازمان در خارج از کشور نیز شور و نشاط بی‌مانندی برپا کرد. کمیته‌های کشوری فدائیان خلق در کشورهای مختلف جهان: آلمان فدرال، سوئد، دانمارک، هندوستان و ... با ارسال پیام‌های شاد با شریب رهبری سازمان، بر عزم استوار خود در پیگیری راهی که توسط پلنوم مهرماه با دقت ترسیم شده است تأکید نمودند. مضامین پیام‌های کمیته‌های کشوری، بازتاب دهنده پیوند مستحکم فدائیان خلق در خارج از کشور، با رژیم پرشکوهی است که در حول پرچمی که به دست پرتوان رهبری گرانقدر سازمان مابرا فرشته شده است، پیش‌روی رود.

چطور لباس می‌پوشد، تا شاید او بتواند دستور مافوق را اجرا کند و "سرپا" ده‌هزار تومانی موعود را بستاند. حیدرخان که می‌خواست در لباس روحانی و بعنوان قاری قرآن از خاک ایران بگذرد و از سرحد خارج شود، بناگاه دریافت که این کار خال از خطر نیست و تصمیم گرفت که شیوه خود را عوض کند و تصمیم گرفت در همان قصبه بماند و لذا به صاحب‌خانه خود گفت: "قصد دارم در همین محل برای استراحت چند روزی لنگ کنم و هر وقت که خیال عزیزت به رشت را داشته باشم خدمتتان عرض خواهم کرد."

سپس به قهوه‌خانه برای ملاقات با صاحب‌منصب قزاق رفت و به او گفت:

"آقا جان! حقیقت آنست که من این حیدرخان را در زندگی چند دفعه‌ای دیدم و لذا خوب از وضع و حال و پال او خبر دارم و اگر صد بار هم اسم و رسم و لباس و اثاث خود را عوض کند، من او را بیسن ده هزار نفر جماعت تشخیص می‌دهم و از این هم بالاتر، خود بنده هم به دنبال او هستم، شاید جایی بچنگم بیافتد و او را بقیه در صفحه ۵

## خاطره‌ای از حیدرخان



حیدرخان در برخورد با مزدوران دشمن است: "حیدرخان چند روز بعد از پیروزی توپ‌پستن مجلس (۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶) تهران را

بصوب قفقاز ترک گفت. امیربهداد جنگ، که در آن روزگار همکاره و دست راست محمدعلی شاه بود، در اجرای فرمان شاه از کلیه فرماندهان قشون طلبید که حیدرخان را مرده یا زنده دستگیر کنند و ده هزار تیان "سرپا" بپسرای حیدرخان معین کرد. حیدرخان در قصبه‌ای در بین راه تهران و قزوین با یکی از صاحب‌منصبان قزاق که نامش را بعلیی که روشن است ذکر نمی‌کنیم برخورد کرد و ضمن صحبت با او از مضامین تلگراف دولت درباره خودش اطلاع یافت. صاحب منصب قزاق تلراف را به او نشان داد و از حیدرخان خواستار شد که اگر بتواند صورت ظاهری حیدرخان را برایش توصیف کند و بیان دارد که

هشیاری در برخورد با پلیس سیاسی، یکی از شرطهای اصلی مبارزه و تداوم پرز انقلابی است. کمونیستهای ایران در این عرصه، دارای یک پشتوانه غنی از تجربه در شرایط گوناگونند. باید مدام به این تجربیات رجوع کرد و آموخت که چگونه می‌توان در هر وضعیت جدیدی که پیش می‌آید، عناصر زنده آنها را به کار بست و به نوبه خود بر غنای این گنجینه افزود.

چهره‌های برجسته جنبش کمونیستی، چه در سطح جهانی و چه در پهنه میهن ما، همگی در عرصه برخورد با پلیس نیز صاحب نام و آواز ماندند. هنوز که هنوز است هشیاری و تحریک فوق‌العاده حیدرخان عموغلی، نخستین نامدار جنبش کمونیستی ایران، در برخورد با دشمن، برای خواننده سرگذشت او و شور و جذابیست خاصی دارد. ۲۹ آذر، صد و چهارمین سالگرد تولد حیدرخان بود. ما به همین مناسبت خاطره‌ای از او را درج می‌کنیم که عباس‌خان افشار یکی از خواهش‌مندان او، نقل کرده است. این خاطره نمونه جالبی از هشیاری و موقعیت‌سنجی

## ششم دی ماه سالروز آغاز مرحله نوین تاریخ انقلاب افغانستان



بقیه از صفحه اول

می کردند، منشعب گردید. بالاخره، در تیر ماه ۱۳۵۶ پس از نزدیک به ۱۰ سال جدایی، کنفرانس وحدتی تشکیل شد که کمیته مرکزی متشکل از ۳۰ نفر برگزید. نو محمد ترکی بعنوان دبیر کل کمیته مرکزی انتخاب شد. ببرک کارمل سمت دبیری کمیته مرکزی را عهده دار گشته و به عضویت دفتر سیاسی درآمد.

این مقطع، با دوره تدارکات فعال برای انقلاب ضد فئودالی و ملی - دموکراتیک افغانستان مصادف بود. انقلاب در هفتم اردیبهشت ۱۳۵۷ به پیروزی رسید.

اما اندکی بعد، رویدادهای شومی به وقوع پیوست. وحدت حزب رو به تضعیف گذاشت. در این روند، حفیظ الله امین، خائن به انقلاب و مردم مهمترین نقش را ایفا کرد. وی موفق شد بخشهای مهمی از دستگاه دولتی جمهوری دموکراتیک جوان را تحت کنترل خود درآورد و مبارزه علیه اعضای صادق و وفادار به انقلاب را در حزب آغاز کند. ببرک کارمل، آنها را تارتیزاد و بسیاری دیگر از این زمره بودند. ضربه بزرگی به کادرهای حزبی وارد شد. برخی مجبور شدند مهاجرت کرده و یا مخفی شوند. بسیاری دیگر بازداشت شده و در سپاه چالهای مخوف امین به قتل رسیدند.

اما اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان به هیچ وجه تنها قربانیان استبداد امین نبودند. امین، که با حیله و توطئه همه کسانی را که در برابر نقشه های جنایتکارانه و استادگی می کردند، از سر راه خود برمی داشت، بسبب انتشار گسترده ای از جامعه افغانستان، افشاری را که انقلاب ثور بر آنان تکیه داشت، مورد سرکوب قرار داد. حتی در زمانی که امین ریاست کشور را بر عهده نداشت، به دستور شخص وی بازداشتها و تیربارانهای زیادی انجام گرفت.

از جمله قربانیان امین، روشنفکران بسیاری بودند که برای توده های بیسواد مردم افغانستان نور آگاهی را به ارمغان می آوردند.

در زمره قربانیان او، بسیاری فرماندهان نظامی قرار داشتند که فعالانه در انقلاب ثور شرکت جسته بودند.

دیگر قربانیان امین، صدها تن از میان روحانیت، دهقانان و کارگران افغانستان بودند. تضییقات وسیعی که توسط امین و همدستانش انجام گرفت، بسیاری از مردم ساده افغان را وادار به فرار از کشور کرد. این عده، در خارج از کشور از سوی ضدانقلاب افغانی و نیز تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی تحت شستشوی مغزی قرار گرفتند.

۱۰۰. وطن یار، عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق و هیئت رئیسه شو. رای انقلاب جمهوری دموکراتیک افغانستان می گوید: "هر روز نشانه های بیشتری دال بر این امر بدست می آمد که حفیظ الله امین، مزد و امپریالیسم آمریکا و مامور "سیا" ست. همه فعالیت عملی او متوجه آن بود که به جنبش انقلابی افغانستان ضربه بزند، انقلاب ثور را منحرف سازد، در کشور جو ترور ایجاد کند و پایه های قدرت خلق را سست نماید.

بسیاری از افغانی هایی که در سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۴ در آمریکا تحصیل کردند، تایید می کنند امین (که در آن زمان مقیم آمریکا بود) تاسهای نزدیکی با آمریکایی هایی داشت که به جاسوسی و فعالیت برای سیا اشتغال داشتند. ما دقیقاً اطلاع داریم که کدام یک از آنان همکاری امین را جلب و به وی دستور فعالیت جاسوسی در حزب ما را داد. ما می توانیم دقیقاً بگوییم امین در فاصله ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ چه وقت و با چه کسی از سازمان سیا ملاقات کرد و از آنان ماموریت گرفت تا به حزب ضربه بزند.

اطلاعات منابع موثق حاکی از آنست که امین پس از انقلاب ثور نیز به همکاری با امپریالیسم آمریکا ادامه داد. وی هنگامی که در سال



ابرازشاد مانی مردم را آغاز مرحله نوین انقلاب

۱۳۵۷ از سفر آمریکا بازگشت (برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به آنجا رفته بود)، هدایای گرانقیمی را به همراه آورد. درست پس از این مسافرت، امین خشونت خود علیه پویندگان راه انقلاب را افزایش داده و شروع به غصب کامل قدرت در افغانستان نمود.

امین در سپتامبر ۱۹۷۹ زمینه سازی برای نزدیکی به آمریکا را آغاز کرد. وی ملاقاتهایی محرمانه با مامورین آمریکایی داشت، به آمریکا پیک می فرستاد و برای کارتر پیامهای شخصی

شفاهی ارسال می کرد...  
او اسط سیتامیر، ترکی پنجو بسیار اسرارآمیز ناپدید شد. رسماً اینطور وانمود گردید که وی بیمار است و بنا بر این ناچار گردید از کار دست بکشد. امین در نخستین کنفرانس مطبوعاتی پس از به قدرت رسیدنش، تلویحا به روزنامه نگاران خارجی حاضر گفت که روزهای ترکی به سر رسیده و با کنایه افزود که پزشک نیست و نمی داند مرگ ترکی چه وقت به وقوع خواهد پیوست. نه در افغانستان و نه در هیچ جای دیگر جهان خبر مرگ ترکی بر اثر بیماری را (که اندکی بعد منتشر شد) باور نکردند. در حقیقت، نورمحمد ترکی به دستور شخص امین توسط افسران "گارد" به طرز وحشیانه ای به قتل رسید. بعدها قاتلان ترکی اعتراف نمودند که وی را هجدهم مهرماه ۱۳۵۸، ساعت ۲۳ و ۳۰ دقیقه، پس از بالش خفه کردند. تحقیقات پیرامون قتل ناجوانمرده ترکی نشان داد مقصر اصلی در این جنایت هولناک، حفیظ الله امین - خائن و جاسوس سیا بود.

نفوذ امین مامور امپریالیستها و فعالش به صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان، برای کشور و اوقاب و خیمه به همراه آورد. انقلاب ثور تا اندازه ای از مسیر اصولی خود منحرف شده بود، اگر نیروهای وفادار به مشی انقلابی حزب، موفق نمی شدند در اجرای اراده مردم افغانستان و به کمک ارتشهایی بخش ملی این کشور، امین و باند او را سرنگون ساخته و گذار به مرحله نوین انقلاب را تضمین کنند، افغانستان به فاجعه ای بزرگ دچار می شد.

پس از قیام ملی ششم دیماه، وزارت کشور افغانستان جزئیات توطئه امین علیه انقلاب را فاش ساخت و اعلام کرد امین به دستور "سیا" و به اتفاق گروه بندی ضد انقلابی "حزب اسلامی افغانستان" قصد داشت در روز هشتم دیماه ۱۳۵۸، با از بین بردن همه رهبران و فعالین صادق و وفادار به انقلاب حزب، دیکتاتوری خود را در کشور برقرار سازد. حفیظ الله امین اندکی پس از قتل ترکی، تماسها و ارتباطات گسترده ای با ضدانقلاب داخلی و خارجی گرفت. اوایل مهرماه، فرستاده امین مخفیانه با گلبدین حکمت یار، رهبر "حزب اسلامی" دیدار کرد. در این دیدار توافق "در باره پایان دادن به رویا رویی و درباره همکاری

## سوابق استفاده اشراافغانی از سلاح شیمیایی

و فشنکهای سم دار ویژه سلاحهای ساخت آلمان فدرال را از راهزنان بدست آورده اند. پس از تار و مار شدن یکی از باند های ضد انقلابی، متن نامه گلبدین حکمت یار رئیس حزب اسلامی افغانستان به فردی بنام فاروق منصور کشف گردید. حکمت یار در این نامه، ضمن تایید تحویل محموله های جدیدی از مواد سمی از دوستان خارجی خود، نوشته است: "باید به فوریت، گروه های ۵ تا ۳ نفری از طرف هر دسته بزرگ، به پیشاور فرستاده شوند تا بتوانند طررز بکار گیری انواع مدرن اسلحه را یاد بگیرند."

چندی پیش، روزنامه کابل نیو تایمز فتوخی سند شماره ۲۹۱۲۶ "جبهه ملی اسلامی افغانستان" را چاپ کرد که در پیشاور تهیه و برای سرکردگان باند های راهزنان در افغانستان فرستاده شده است. این سند که در حکم دستور العملی برای انجام عملیات تروریستی است، ضد انقلابیون را مستقیماً موظف می سازد که سلاح شیمیایی را وسیعاً به کار برند. در ماده چهارم این دستور العمل آمده است: "مواد سمی شیمیایی که برای شما ارسال شده، باید با احتیاط و مواظبت خاصی محفوظ شود. با دقت خاصی وقتت و مورد استعمال آن را برگزینند تا به مجاهدین ما زبانی رسانده نشود. در صورت تغییر وضع هوا، منطقه عمل را ترک نکنید. افرادی که بر اثر استعمال مواد سمی مسمومیت پیدا کنند، باید بیدارنگ به پیشاور فرستاده شوند." سند را "سید احمد گیلانسی، رئیس جبهه ملی اسلامی افغانستان امضا کرده است."

حیدرخان م.گوید:

"این جناب صاحب منصب ساده لوح تمام شرایط مرا پذیرفت. بدین ترتیب وی به همراه قزاق سوار، و خود نیز سوار مرکبی رهوار برای دستگیری خود شد در جهت سرحد روسیه حرکت درآمد. وقتی حیدرخان وارد بندرانزلی شد چندتومانی به قزاق داد و مکتوب زیرین را برای صاحب منصب قزاق خشک دماغ نوشت:

"حضرت اجل! به سبب مصاحب خوسی که همراه من کرده بودید، از آن جناب تشکر می کنم. الحق که رفیقی نجیب و آدمی معقول بود. از بخت بد ممکن نشد شخصی که قرار بود دستگیر کنم، ولی جنابعالی از این سوءتصادف متأثر نباشید. چه اهمیتی دارد که موفقی نشدید و پولی به چنگ نیاریدم! به قول معروف قسمت نبود. عروقتیای سرکار را خواستارم.

خیرخواه شما: حیدرخان"

همانگونه که در شماره های پیشین "اکثريت" نیز درج شد، در کابل جزوه افشاگرانه ای تحت عنوان "سلاح شیمیایی: چه کسی آن را به کار می برد؟" انتشار یافته است که در آن، اسناد و مدارکی پیرامون استفاده ضد انقلابیون افغانی از سلاحهای شیمیایی آمریکایی، انگلیسی و... در جنگ علیه دولت انقلابی افغانستان به چاپ رسیده است. برخی موارد استفاده آنها از این سلاحها و مدارک مربوط به آن، از این قرار است: دو سال پیش، اشرا آب آشامیدنی مدرسه دخترانه "شیا" در کابل را مسموم کردند که موجب مرگ چهارده دختر دانش آموز شد. پیش از ۱۰۰ دختر محصل، در وضع بسیار وخیمی به بیمارستان منتقل شدند. سپهر نظیر این واقعه در مدرسه آریانا و چند مدرسه دیگر کابل تکرار شد. دانش آموزان این مدارس، به وسیله گاز و مواد سمی، مسموم شدند. همچنین این مواد علیه کارگران چند کارخانه کابل و دیگر شهرهای افغانستان نیز به کار رفت.

چندی پیش، ارگانه های امنیتی افغانستان، یک فرد ضد انقلابی را که از پیشاور (پاکستان) راهی کابل بود، بازداشت کردند. واز او محموله بزرگی از ماده سمی بسیار کشنده بنام "سیانور د و پتاس" کشف شد. مقصدار این سم، برای مسموم کردن ساکنان یک شهر کفایت می کرد.

نیروهای مسلح جمهوری دمکراتیک افغانستان، بارها پس از قلع و قمع باند های اشرا را هزن، که از خارج گسیل شده بودند، سلاح شیمیایی نوع "سی.اس" ساخت آمریکا، نارنجک های شیمیایی ساخت انگلیس

## خاطره ای از حیدرخان

بقیه از صفحه ۳

دستگیر نمایم و دست بسته تحویل دولت بدهم و ده هزار تومان موجود را بجیب بزنم. من میدانم که او از تهران متواری شده و بجانب سرحد روسیه در حرکت است. البته عین سعادت است که آدم شریف و محترمی مثل سرکار با من در این امر خیر شریک میشدید و یکی از قزاقهای سوارتان را در اختیار من می گذاشتید و بخود منم مرکبی مرحمت می فرمودید. ها؟ عقیده من چیست؟ اگر امتحانی می کردیم بد نبود. شاید در روزهای آتی یارو را بدام بیاندازم و ما هم به غنیمتی دست بیابیم. فکرش را بکنید ده هزار تومان ابداً مبلغ کمی نیست. اگر موافق باشید و شرط دارم: شرط اول آنست که ده هزار تومان را بالمناصفه قسمت کنیم، شرط دوم آنست که به قزاق امر مقرر بفرمائید تا سرحد روس همراه من باشد."

احتمالی" حاصل شد. عبدالله، برادر بزرگتر امین بطو ره رچه آشکارتر و فعال تر خواستار آن می گردید که به بازی انقلاب خاتمه داده و در همه پستهای عالی حزبی و دولتی بستگان یا افراد طرف اعتماد منصوب شوند. سیای آمریکا نوشت: "رژیم حفیظ الله امین با توجه به تحول داخلی اش، کاملاً منطبق با منافع دراز مدت ایالات متحده است."

در چهاردهم مهرماه ۱۳۵۸، امین در کابل نشست مخفیانه ای با مشاورانش برگزار کرد و در آن، شرایط اتحاد با حزب اسلامی و طرحهای مشخص برای تدارک مشترک کودتا، مورد بحث و تصویب قرار گرفت. در این نشست تصمیم گرفته شد بلافاصله پس از اجرای توطئه، شعارهای انقلاب شور شود، حزب دمکراتیک خلق منحل گردد و رهبری و فعالین آن در اسرع وقت ازین برده شوند. قرار بر این شد که در "دولت جدید افغانستان" امین رئیس جمهور، گلبدین حکمت یار نخست وزیر و یعقوب وزیر دفاع باشد.

اواخر آذرماه ۱۳۵۸، نماینده شخص امین با پرواز مخصوص شرکت هواپیمایی افغانستان به پاریس، رم و کراچی رفته و در آنجا ضمن ملاقات با مامورین سیا آنها را در جریان تدارکات کودتا گذاشت. از اول تا سوم دی نیز بهمین منظور یک پیک مخصوص امین در پیشاور پاکستان مرکز ضد انقلابیون افغانی به سر می برد. از واشنگتن به کابل اطلاع دادند که "قدرت نیروهای مسلح آمریکا در صورت لزوم" از کودتا حمایت خواهد کرد.

اما حزب دمکراتیک خلق و همه نیروهای میهن پرست افغانستان از دستاوردهای انقلاب پاسداری کرده و در لحظه حساس، امین مامور سیا و باندش را افشا و نابود ساختند، به این ترتیب روز هشتم دیماه ۱۳۵۸ به فهرست طولانی روزهای سیاهی که تاریخ افغانستان بقدر کافی بخود دیده، افزوده نشد. بپیرک کارمل که بنا به تصمیم رهبری حزب و کشور، به سمت دبیرکل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق، صد رشورای انقلاب و رئیس شورای وزیران جمهوری دمکراتیک افغانستان انتخاب گردید، در تاریخ هشتم دیماه ۱۳۵۸ بنام کمیته مرکزی حزب، شورای انقلاب و دولت اظهار داشت:

"من به تمام جهان اعلام می کنم که در قلب آسیا، خلقه ای ازرنجیر استبداد، رژیم امین و عمالش، نابود گردیده است. دیکتاتوری فردی و رژیم خون آشام این خائن به وطن، در زیر بار جنایتش فرو ریخت. به ماجراجویی های وحشیانه او پایان داده شد. شورای افغانستان... قدرت دولتی را دوباره به دست گرفته است."

مرحله نوین در تاریخ انقلاب افغانستان آغاز شد...

## مروری کوتاه بر برنامه های تلویزیون جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

و ضدیت با هر گونه نشاط و شادابی می داند ، به بن بست بزرگی برخورد کرده است . تلویزیون ج ۱۰ و یا به تعبیر طنز آلود مردم " چشم شیشه " بندرت رغبت بیننده ای را برمی انگیزد .

در بررسی برنامه های تلویزیونی ، که در مجله سروش ارگان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران درج گردیده است ، روشنی می شود که اکثر برنامه های تولید داخلی تلویزیون را برنامه های " آموزشی " تشکیل

می دهند . از مجموع برنامه ها ۵۳ درصد آن به برنامه های " آموزشی " تعلق دارد و اگر برنامه های خبری را هم که ۱۷ درصد از ساعات تلویزیون را پر می کند ، با توجه به هدف و عملکرد آن که صرفا در چارچوب سیاست های تبلیغی و آموزشی رژیم در عرصه های مختلف تنظیم می شود ، جزو برنامه های " آموزشی " حساب کنیم ، سهم این برنامه ها ۷۰ درصد می شود .

نشان می دهد که رسالت این برنامه ها ، نه پاسخگویی به نیاز های جامعه ، نه آموزش فرهنگی ، سیاسی ، علمی ، فنی و هنری ، نه پر ساختن اوقات فراغت عمومی از طریق اجرای برنامه های سالم تفریحی ، نه تأمین آرامش و سلامت فکری جامعه و نه زمینه سازی برای برخورد اندیشه های متفاوت و ... است . رسالت این برنامه ها ، صرفا اشاعه و ترویج پلید ترین دروغ ها ، تبهکارانه ترین سیاستها و عقب مانده ترین تفکرات قرون وسطایی است .

در صدر برنامه های تلویزیونی ، تبلیغ سیاست خونریز حکام جنگ افروز رژیم جای دارد . مجله سروش ( شماره ۲۵۴ - ۱۷ شهریور ماه ۱۳۶۳ ) می نویسد : " در سالیکه گذشت ، صدا و سیما در انتقال این پیام که " جنگ مسئله اصلی است " با اعزام گروه های فیلمبرداری و صدا بردار ... با تهیه و پخش ۲۳۱ ساعت برنامه تلویزیونی و در حدود ۲۲۶۶ ساعت برنامه رادیویی ... سهم ارزنده داشته است . این فعالیتها علاوه بر کوشش هایی است که در زمینه تهیه و پخش اخبار جنگ و تهیه گزارشهای تحلیلی بوسیله اعزام آکیمپها متعدد خبری به جبهه ها صورت گرفته است . "

بعد از جنگ ، طبق فهرست برنامه های هفتگی مجله سروش ، اکثر برنامه های آموزشی تلویزیون را ، برنامه هایی از قبیل افاضات و درسنامه های يك مشت افراد مترجم و بی فرهنگ ، خطبه های نماز جمعه ، دعای کمیل و ... تشکیل می دهد که بحث های ضد انسانی آیت الله محمدی کیلانی در باره

قصاصینی از نمونه های بارز آن است . او وارث تمام ارزشها و اصول بربریت است ، با بحث های طولانی خود در " باب قصاص " ماها در باره قطع عضو ، در آوردن چشم از حدقه ، سنگسار کردن ، و شلاق زدن ، ساعات و امکانات تلویزیون را در اختیار داشت . در سبای اخلاق آخوند هایی از قبیل محسن قرائتی و محمدی ری شهری ... که اکنون در تلویزیون جریان دارد ، دست کم یکی از بحث های محمدی کیلانی ندارند . جوهر این گونه برنامه های آموزشی ، اشاعه فرهنگ خرافه ، ریا و تزویر ، ترویج پلید ترین نوع برخورد با زنان و بحث هایی در خصوص سیخه ، تعدد زوجات و نظایر اینهاست .

بطور خلاصه ، سمت و سوی این به اصطلاح برنامه های آموزشی ، تلاشی است برای بازگشت به سنت های پوسیده و احیای اخلاقیات ندد اجتماعی . بخشی از برنامه های آموزشی تلویزیون هم در اختیار جلادان " اویسن " است . شوهای مشترک تلویزیون - اویسن ، در همان حال که سیاست مفتضح تلویزیون را به نمایش می گذارد ، درجه شقاوت حکام شکنجه گر ج ۱۰ را نیز نشان می دهد .



سرگرمی ، ورزش و هنر هم ۱۲ درصد از مجموع برنامه های تلویزیونی را تشکیل می دهد . تلویزیون ج ۱۰ در عرصه تولید داخلی ، از مقوله سرگرمی بعنوان مثال مسابقه " نامها و نشانه ها " را دارد که رسالت این برنامه عدت انباشت " نامها و نشانه ها " ی مرتجعین تاریخ معاصر ایران است . انتخاب فیلم و سریال خارجی ، مشکل بزرگ گردانندگان تلویزیون ج ۱۰ است . در این زمینه تنها به گفتن ای از حجت الاسلام دعاگو ، سخنگوی سازمان رادیو و تلویزیون بسنده می کنیم . او می گوید : " در هیچ کجای دنیا انقلاب اسلامی صورت نگرفته جز ایران ، فرهنگ جامعه ما در هیچ جامعه دیگر وجود ندارد . و طبعا هیچ کشور نمی تواند برای ما تولید ( فیلم و سریال ) کند . ما در بین صدها و هزارها فیلمی که در خارج تهیه می شود ، تنها تعداد مشخصی را که ایراد های کمتری دارند انتخاب می کنیم و آن تعداد را هم که انتخاب می کنیم ، قسمت

هایی را حذف می کنیم و هم در محتوا و هم در خود فیلم تغییراتی بوجود می آوریم و نهایتا آنچه عرضه می شود نه فیلم خارجی است و نه چیزی است که طبع مردم ما آن را بپسندد و باز هم بدون اشکال نیست . " ( کیهان - ۳۰ آبان )

برنامه های ورزشی تلویزیون هم ، تنها به نمایش مسابقات ورزشی مردان با حجاب محدود می شود . خردسال و بزرگسال ، زن و مرد ، همه مجبورند فقط به مسابقات فوتبال تکراری نگاه کنند . سخن از ورزش زنان ،

نشان دادن زنان قهرمان میادین ورزشی در صفحه تلویزیون ، در قاموس این موجودات عقب مانده مساوی است با سقوط جامعه به گرداب فساد و کفر .

تلویزیون ج ۱۰ هر از گاهی نیز ، به اصطلاح به مقوله هنر می پردازد و تقریبا ۴ درصد برنامه های خود را به این موضوع اختصاص می دهد . خطی که تلویزیون در این عرصه پیر می کند ، تابع سیاست کلی رژیم در مورد مقوله هنر است که تعریف صریح آن را حجت الاسلام انزایی رئیس رعیسیون ارشاد و هنر اسلامی بدست داده است : " اسلام ، هنرهایی را که تصویب کرده و مورد قبول آن می باشد ، همان هنرهایی است که ... سابق معمول بود و فعلا هم وجود دارد ... مثل عزاداری و

تعزیه داری . اینها هنرهای اسلامی است . ... بحمد الله بعد از انقلاب اسلامی ، هنر اسلامی دارد پیشرفت می کند . " ( اطلاعات ۴ آبان )

بقیه برنامه های تلویزیونی ، یعنی ۱۸ درصد آن به برنامه کودکان و نوجوانان تعلق دارد . در این عرصه ، یکی از خیرترین سیاستهای حاکمیت پیش برده می شود . سوء استفاده تبهکارانه از احساسات کودکان و نوجوانان ، تبلیغ مرگ و فریب آنها برای فرستادن به قربانگاه جنگ وحشیانه رژیم ، سوز مرکزی برنامه های کودکان و نوجوانان را تشکیل می دهد . تولید داخلی تلویزیون در این عرصه ، محمود داستانهایی از قبیل " گل لاله " است که سرآغاز آن چنین است : " نوجوانی ۱۲ ساله با تفرندی و با استفاده از شناسنامه برادر بزرگترش همراه بسیج به جبهه می رود و این در حالی است که ... " ( سروش شماره ۱۵۶ - شهریور ۶۳ )

تفر مردم از برنامه های تلویزیون ج ۱۰ از دید مسئولین رژیم پنهان نیست . حتی روزنامه های دولتی نیز از روی ناچاری به ورشکستگی و درماندگی این دستگاه تبلیغاتی اشاره می کنند . به عنوان نمونه سرفاله نویسن آزادگان در شماره ۱۲ آذر این روزنامه چنین می نویسد :

" ایجاد رغبت و جذب بیننده و شنونده بزرگترین سرمایه این نهاد می باشد ، و می تواند بقیه در صفحه ۱۴

## سه ماه از مبارزه کارگران کشت و صنعت مغان

اعتراض، سود جستند • مبارزات بسیاری را برای کسب حقوق خود انجام دادند • مبارزاتی که تا به امروز با فروز نشیب پیشرفته است، نمودای از آن مبارزات مستمر سه ماهه ای است که از بهمن ماه ۶۲ آغاز گردید •

### کارگران مقاومت می کنند

روز ۲۳ بهمن ماه سال گذشته بخشنامه ای از سوی هیات مدیره کشت و صنعت مغان صادر شد • مطابق این بخشنامه کارگران می بایستی بطور اجباری برای چهار روز به مرخصی بروند و در عوض معادل همین مدت از مرخصی استحقاقی سالانه آنها کسر گردد • ظاهراً بهانه هیات مدیره درصد و راین بخشنامه ضد کارگری و غیر قانونی، بارندگی هایی بود که در آن روزها، انجام کار در مزارع را دشوار ساخته بود •

مدیرعامل کشت و صنعت شخصی به نام ملزوماتی است • این شخص به تنهایی که نظرداشت بهره کشی هرچه بیشتر از کارگران بود و هیچ بهانه ای را برای زیر پا نهادن حقوق کارگران از دست نمی داد • این بار بهانه ای و ریزش باران بود • اگر دست ملزوماتی برای به کار گرفتن این گونه بهانه ها باز نگذاشته می شد دیگر چیزی از حقوق کارگران باقی نمی ماند • از این رو کارگران تصمیم به مقاومت گرفتند • ابتداء در محل کشت و صنعت نسبت به آن اعتراض کرده و آن را غیر قابل قبول دانستند و تصمیم شدند از رفتن به مرخصی اجباری خودداری کنند • کارگران برای مقابله با ملزوماتی، چند نفر سر را از میان خود برگزیدند تا برای طرح شکایت، نزد مسئولین محلی به پارس آباد بروند • این عده به " کمیته انقلاب اسلامی " پارس آباد مراجعه و بابت صد و راین بخشنامه غیر قانونی شکایت کردند •

در اختلاف میان مسئولین محلی، ملزوماتی و هیات مدیره به یک جناح و مسئولین کمیته به جناح دیگر وابسته بودند • کارگران بادل بستن به مخالفت های روسای کمیته با ملزوماتی، انتظار داشتند کمیته به پشتیبانی از آنان برخیزد • مسئولین کمیته هم که فرصت را برای تصفیه حساب با ملزوماتی مساعد تشخیص دادند، به آنان قول مساعد دادند • مسئولین کمیته، حرکت محدود کارگران را مکانی می دیدند که با استفاده از آن بتوانند جناح مقابل را تضعیف کرده و احیاناً ملزوماتی را از منطقه برانند و کسی از وابستگان خود در راه مدیریت کشت و صنعت بگمارند •

روز ۲۴ بهمن کارگران دو بخش از امور زراعی در محل کشت و صنعت تجمع کردند • اما هیات مدیره بی توجه به اعتراضات، دستور اجرای حکم مرخصی های اجباری را صادر کرد • کارگران را از رفتن به سرکار بازداشتند • کارگران در مشاوری به یکدیگر یکر بران شدند تا عقب نشینی بقیه در صفحه ۸

و فساد پایان داده شود • اما متأسفانه این خواسته آنها محقق نشد • در همان بدو کار در برابر آینه این مجتمع تولیدی، علامت سوال بزرگی رسم کردند • بسیاری از مسئولین و دست اندرکاران تازه، نگهداری این گونه واحد ها را به صرفه نمی دانستند • انگیزه های مختلفی در تبلیغ این نظریه وجود داشت، از جمله اینکه، تأسیساتی که با صرف هزینه های هنگفت به راه افتاده بودند و زمین هایی که با مخارج بسیار سطحی، زه کشی و آماده کشت شده بودند، چشم بعضی ها را گرفته بود • آن را از جمله غشایی می دانستند که باید از آن نصیبی برد • به این خاطر تقسیم این واحد بزرگ را به قطعات کوچک تبلیغ می کردند • اینها ماتی که پرسرشت کشت و صنعت سایه افکنده بود و نیز چپا ولی که از سرمایه های این واحد در رژیم شاه صورت گرفته بود، باعث گردید تا از تأمین سرمایه لازم برای راه اندازی قسمتهای آماده شده و گسترش طبق برنامه آن، امتناع شود • مسئولان و مدیرانی که برای اداره و سرپرستی آن اعزام شدند، فاقد صلاحیت و درسیاری موارد فاقد صداقت بودند • از این رو با سامانیهای بسیاری بروزر کرد و شیرازه امور از هم گسسته شد • پاپای افزایش قدرت مرجعین در حاکمیت جمهوری اسلامی، امور کشت و صنعت نیز به تدریج در قبضه کسانی قرار گرفت که آن را تیول خود می پنداشتند •

در همه این مدت، در کشت و صنعت مبارزه تنیدی میان کارگران و کارکنان مترقی و نیز برخی از مدیران، با مسئولین انتصابی نالایق و یافاسد و اعضای ضد کارگری هیات مدیره و مقامات مرجع محلی جریان داشت • کارگران و کارکنان این واحد، ضمن آنکه در راه کسب حقوق خود مبارزه می کردند، می کوشیدند این واحد را به سود دهنی نزدیک کنند و با سامان یافتن تولید، آن را به واحدی در خدمت انقلاب مبدل سازند • از این رو باندانم کاری، خرابکاری و حرکات سوء و سیاست ضد کارگری مسئولین و مقامات مقابل می کردند • به تدریج مبارزه در کشت و صنعت و کشاکش پرسر سرنوشت آن، به پی ایزلخه های مهم نبرد میان انقلاب و ارتجاع در منطقه بدل گردید •

همای افزایش قدرت ارتجاع در حکومت و تقریباً به موازات آن، سیاستهای ضد کارگری و بند انقلابی در این واحد نیز تثبیت می شد و بالاخره اوضاع به روال پیشین بازگشت • کشت و صنعت به عرصه چپاول و تاراج مسئولین آن و مقامات محلی بدل گردید • کارگر ستیزی ها و افسار گسیخته غالب شد • اخراج بی درپیشی کارگران، کارکنان و متخصصینی که با این روند مقابل می کردند، رویداد هر روز این واحد شد • کارگران از هر گونه تشکیلی باز داشته شدند و در راه مبارزه شان موانع بزرگی ایجاد کردند • اما کارگران نیز بیادار نشستند • از هر فرصتی برای بیان

در کشت و صنعت مغان طی یک سال گذشته از سوی کارگران، حرکات اعتراضی مکرر و تقریباً پیوسته ای صورت گرفته است • کارگران این واحد بزرگ در طول این مدت طولانی، اشکال متنوعی را برای بیان اعتراض و مبارزه در جهت کسب حقوق خود به کار گرفته اند و رژیم نیز متقابلاً در مقابل به با این حرکات شیوه های گوناگونی را به کار گرفت • رویداد های کشت و صنعت مغان از نظر تنوع اشکال مبارزاتی، در سبایی که کارگران از این مبارزه آموختند و بازتاب این مبارزه در میان عناصر و ارگانهای دولتی، تجربه پرارزشی است • برای آشنایی خوانندگان با گوشه هایی از جنبش کارگری ایران، ما در این شماره پس از مرور فشرده ای بر سوابق امرد این مجتمع تولیدی، شرح مبارزات کارگران این واحد را در یک مقطع سه ماهه، منتشر می کنیم •

مقطع کوتاه سه ماهه ای که ما از میان مبارزات چندین ساله کارگران کشت و صنعت مغان برگزیده ایم از بهمن ماه ۶۲ شروع و به اردیبهشت ماه ۶۳ ختم می شود • رویداد های این سه ماه تاثیر بزرگی بر آگاهی کارگران برجای گذاشت و می توان آن را نقطه عطفی در مبارزات طولانی کارگران این واحد به حساب آورد • مبارزات ۷ ماهه اخیر کارگران برخورد ارتجایی پیشرفت که در طی این مدت به دست آمده است •

### کشت و صنعت

#### به تیول مرجعین تبدیل می شود

اراضی کشت و صنعت مغان در منطقه مغان آذربایجان شرقی و در نزدیکی مرز اتحاد شوروی قرار دارد • در این واحد قریب به چهار هزار کارگر به کار مشغول هستند • کشت و صنعت در تملک دولت است و هیات مدیره آن از طرف دولت تعیین می گردد که تحت نظریه مدیرعامل امور را پیش می برد •

کشت و صنعت مغان مانند دیگر مجتمع های کشت و صنعت در رژیم پیشین تأسیس شده بود • در مجتمع های کشت و صنعت، رشته های تولیدی مختلف و بهم پیوسته ای وجود دارد، از قبیل کشاورزی، باغداری، کشت علوفه، اصلاح و تهیه بذر، مرغداری، دامداری، صنایع لبنیات، کمپوت سازی، کارگاه های تعمیر و وسایل کشاورزی و ... برای تأسیس و گسترش کشت و صنعت مغان سرمایه های هنگفتی اختصاص داده شده بود • این سرمایه ها منبع دزدی افسار گسیخته مدیران دولتی و مقامات استان بود • در این واحد تولیدی کارگران به شدید ترین شکلی بهره کشی می شدند • از حق تشکل و حق هرگونه اعتراضی بی بهره بودند • کوچکترین اعتراضی، مجازات شدیدی در پی داشت • کارگران را به آسانی اخراج می کردند •

وقتی که انقلاب پیروز شد، کارگران انتظار داشتند به این همه ستم و بی عدالتی

بقیه از صفحه ۷

نکرده و اعتراض خود را تشدید نمایند. به عنوان گامی در این جهت، این پاربطور دسته جمعی به پارس آباد رفته و در برابر اداره کاراجتماع نمودند. متقابلاً ملزوماتی نیز تصمیم گرفت در برابر کارگران به قدرت نمایی بپردازد. در همان روز پخشنامه دیگری صادر کرد و مدت مرخصی اجباری را به ۸ روز افزایش داد و علاوه بر آن سه تن از کارگران مبارز را به عنوان "محرك واخلالگر" اخراج نمود. کارگران برخواسته پیشین، بازگشت به کار اخراج شدگان را نیز افزودند و همان روز شکایت نامه ای علیه ملزوماتی، به خاطر اخراج این سه نفر تنظیم و به اداره کار تسلیم کردند. آنها برای اینکه مسئولین را وادار به توجه به شکایاتشان نمایند، در سطح شهر پارس آباد دست به راهپیمایی زدند. مسئولین کمیته که در آغاز، خود را با اعتصاب کنندگان همسو نشان داد میبودند، به میان راهپیمایان رفته و ضمن اینکه این حرکت آنان را اخلالگرانه نامیدند، به آنان وعده دادند که با اقداماتی که صورت گرفته است بزودی هیأتی از تریز برای رسیدگی به شکایات وارد مغان خواهد شد. رئیس کمیته از کارگران خواست تا زمان ورود هیأت، دست از اعتراض و راهپیمایی بردارند. با این وعده، حرکت اعتراضی کارگران متوقف گردید و آنها متفرق شدند و در انتظار هیأتی ماندند که مسئولین کمیته وعده آنرا داده بودند. به این ترتیب مرخصی اجباری کارگران عملاً به اجراء آمد و کشت و صنعت از فعالیت روزمره بازماند.

پس از اتمام چهارروز مرخصی اجباری (که با پخشنامه اول مقرر شده بود) و پس از اینکه از آمدن هیأت موعود از تریز خبری نشد، در روز ۲۹ بهمن کارگران يك باریک را قدامتشان را از سر گرفتند. گروهی از آنان که قریب به ۶۰۰ نفر بودند، مانند چند روز قبل به پارس آباد رفته و در برابر اداره کار گرد آمدند. مذاکره با سرپرست این اداره به بجایی نبرد. به این خاطر کارگران يك بار دیگر در خیابانهای شهر دست به راهپیمایی زدند. راهپیمایی کارگران باتوجه حمایت مردم شهر پارس آباد رو پروردید. انبوه مردم شهر در و سوی خیابانها تجمع کرده و با کارگران همراهی نشان می دادند.

برای کنترل اوضاع، مسئولین کمیته به میان راهپیمایان رفتند و موفق شدند کارگران را به خروج از خیابانها و اجتماع در یکی از مساجد شهر راضی نمایند. سرپرست کمیته به کارگران اخطار کرد که پارس آباد شهری مرزی است. در اینجا نباید راهپیمایی صورت گیرد. و راهپیمایی کارگران را نتیجه "نفوذ کمونیستها" قلمداد کرد. سرپرست کمیته فقط به تهدید اکتفا نکرد. برای حفظ توهم کارگران نسبت به نیت مسئولین کمیته، وعده و وعیدهایی نیز داد. نتیجه تجمع در مسجد به سود کمیته پایان یافت و کارگران موفقندست از حرکات پرنمود پراشتند.

پس از این مرحله کارگران مطالبات خود را

از طریق نامه نگاری به مقامات مملکتی پی گرفتند. آنان شکایاتی برای دفتر امام، مجلس شورای اسلامی، استانداری و دیگر مسئولین منطقه ارسال کردند.

### پاسخ مسئولین

در همان حال که کارگران دستبایی به مطالباتشان را از طریق شکایت به مقامات دنبال می کردند، هیأت مدیره فشار بر کارگران را افزایش داد. علاوه بر کسانی که در آغاز از اعتصاب اخراج شده بودند، تعدادی از اعضای گروهی دیگر را دیدند. سرپرست بخشها را برای دادن اسامی فعالین اعتصاب، تحت فشار قرار دادند. اما غالب سرپرستهای همکاری با هیأت مدیره سر باز زدند. از اینرو تعدادی از سرپرستهای برگمار شده و به جای آنان سرپرستهای تازه ای برای بخشهای مختلف برگزیده شدند. همه سرپرستهای جدید مزدور و آل تدبیر است. هیأت مدیره بودند. برخی از آنها در سابق با ساواک همکاری می کردند.



بالاخره هیأتی که وعده آن را داده بودند وارد شد. از سوی اداره کل کار و امور اجتماعی استان آذربایجان شرقی، کسانی برای بررسی امور وارد منطقه شدند. اما که موش زایید بود. آنها هیچ حرف تازه ای برای کارگران نداشتند. مذاکره کارگران با هیأت اعزامی به بن بست رسید. پوچی مواعید سرپرست کمیته آشکار شد و در پی آن کارگران يك باریک را شکل پرنمود اعتراضی را برگزیدند.

### مبارزه اوج می گیرد

این مبارزه به همان شکل سابق آغاز شد. اما برخورد از تجاری که به دست آمده بود، قاطع تر پیش رفت. کارگران در برابر اداره کار گرد آمدند و سپس در خیابانهای شهر دست به راهپیمایی زدند. مسئولین کمیته پارس آباد دیگر

حرفی برای گفتن نداشتند. لذا هنگامی که صف راهپیمایان به محل کمیته رسید، کمیته چپها درها را بسته و از یالکن ساختمان اعلام داشتند که شکایت کارگران به آنها مربوط نمی شود و باید به ژاندارمری مراجعه کنند. صف راهپیمایان رهسپار محل ژاندارمری گردید. در آنجا پاسخی شنیدند. مساله اعتصاب به ژاندارمری مربوط نیست. هرگاه يك نفر از شما را بکشند، ما شکایت نامه تان را تحویل خواهیم گرفت!

کارگران این بار قاطع تر به میدان آمده بودند. امتناع مسئولین نمی توانست آنها را رادلسرد کند. در هر گام درس تازه ای می آموختند. به راهپیمایی در خیابانهای شهر ادامه دادند. يك به يك ادارت و ارگانها را تجربه می کردند. حتی در میانه راه امام جمعه را که باتو میبیل و همراه با محافظین در حال گذر بود، گیر آوردند. راه را بر او بسته و وادارش ساختند که به شکایتش گوش فرادهد. امتناع امام جمعه در رسیدگی به شکایت، تجربه دیگری شد. صف راهپیمایان بالاخره باریک به محل اداره کار رسید.

از مباحثاتی که در این محل میان کارگران در گرفت نتیجه آن شد که تصمیم گرفتند گام دیگری در تشدید اعتراض بردارند. راهپیمایی را به تحصن تبدیل نمودند. در آن سرمای سخت زمستان در جلوی اداره کار تحصن گردیدند. کارگران بر آن شدند تا هر چه قاطع تر تائیه بر نیروی خود، مطالبات را پی گیرند. بر دیوار توهمشان نسبت به برخی از مقامات ترك وارد شده بود. توهم در حال فرو ریختن بود. به این ترتیب تحصن ادامه یافت. تحصن کارگران در شهر و منطقه و حتی در سطح استان بازتاب یافت. برای ایجاد هراس میان کارگران، به دستور مقامات تئتی چند از کارگران مبارز را دستگیر و روانه زندان کردند. اما به جای هراس برخشم کارگران دامن زده شد. کارگران متحصن، استوار به مبارزه ادامه دادند و علاوه بر آن گروه بسیاری از کارگرانی که تا آن زمان به مبارزه تپیوسته بودند به متحصنین ملحق شدند.

تحصن چندین روز ادامه یافت. در کشت و صنعت ملزوماتی طی پخشنامه تازه ای اعلام داشت متحصنین، غایب به حساب خواهند آمد و همه جرایم غیبت بد و ن اجازه، شامل آنها خواهد شد. برای مقابله با این تصمیم ملزوماتی، کارگران بر آن شدند تا به تحصن خاتمه داده و در عوض در همان محل کار به اعتصاب ادامه دهند. حضور در محل کشت و صنعت، بهانه ملزوماتی را دایر بر غیبت بد و ن مجوز خنثی می کرد. تحصن پایان یافت، اما اعتصاب همچنان ادامه یافت.

همراه با ارتقاء اشکال مبارزه، مطالبات کارگران نیز افزایش می یافت. در این مرحله از مبارزه، کارگران علاوه بر لغو مرخصی های اجباری و لغو احکام اخراج و بازداشت، خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و لغو اجرای طرح "سهم از تولید" بودند. طرح "سهم از تولید" طرحی است که دستمزد

از اعضای هیات مدیره به نام کیانفر اجرا گردیدند محکومیت او سه ماه حبس قطعی، سه ماه حبس تعلیقی و بیست و سه شلاق بود. کیانفر را در حضور کارگران شلاق زدند.

### مرتجعین یکپارچه می شوند

این "خطا"ی مسئولین محلی بزرگ بود. مقامات مملکتی به هیچ وجه تحمل نمی کردند که شلاق جزیر گردد. کارگران و زحمتشان فرو دادند. به این خاطر همه به تظاهرات افتادند. هیات عریض و طولی برای سر و سامان دادن به اوضاع که در اثر مبارزه کارگران به هم ریخته شده بود، از تهران به منطقه فرستاده شد. در این هیات نمایندگان رئیس جمهور، نخست وزیر، شورای عالی قضایی، جامعه روحانیت مبارز، وزارت کار، استانداری آذربایجان شرقی و حاکم شرع تبریز عضویت داشتند. هیات فوق در اولین اقدامی که پس از ورود به عمل آورد، محکومیت اعضای هیات مدیره را لغو کرده و اجرای حکم کیانفر را تقیح نمود. این هیات تصمیمات دیگری نیز در دفاع از هیات مدیره و بر علیه کارگران اتخاذ نمود و نیز اقداماتی را برای "تغییرات مقتضی" را در ادارات منطقه آغاز کرد. تصمیمات هیات پس از خروج آنان از منطقه به تدریج در طول ماه فروردین به اجرا درآمد.

در همین زمان زالی وزیر کشاورزی نیز در تهران در مصاحبه ای با مطبوعات از هیات مدیره دفاع و از اخراج کارگران پشتیبانی کرد. "اخراج کارگران با توجه به تومی که در این نوع واحد ها وجود دارد ممکن است باشد، باید افرادی که کم کاری می کنند، کنار گذاشته شوند" (کیهان ۸ فروردین).

نتیجه سفر هیات این شد که رئیس اداره کار پارس آباد وعده ای از کارمندان کشت و صنعت که با ملزوماتی هماهنگی نشان نمی دادند، کنار گذاشته شدند. بجای آنها، افرادی کارگر ستیز را باند ملزوماتی منصوب شدند. کمیته پارس آباد اقدامات تازه ای را برای شناسایی فعالین اعتصاب آغاز کرد. هیات مدیره کشت و صنعت در تهاجم دیگری علیه کارگران، بخشنامه ای صادر و اعلام داشت مرخصی های فردی بکلی لغو به جای آن فقط مرخصی های دسته جمعی مقرر شده است، بخش اعظم این مرخصی ها نیز مرخصی های اجباری خواهد بود. برای جلوگیری از اعتصاب دیگر یاره کارگران، اعلام

داشتند از این پس بابت هر روز غیبت معادل سه روز از حقوق کارگران کسر خواهد شد و جریمه سه روز غیبت نیز اخراج دایم خواهد بود.

این وضعیت آنزجار معینی در میان کارگران پدید آورد. مقامات مملکتی برای آرام سازی هیات دیگری با عضویت آیت الله موسوی اردبیلی رئیس شورای عالی قضایی وزالی و زیر کشاورزی به منطقه فرستادند. هیات تازه، در روز هفتم اردیبهشت وارد "بیله سوار" گردید. کارگران کشت و صنعت را با توپ و سبای سرویس این واحد به بیله سوار بردند. بقیه در صفحه ۱۰

اعضای هیات مدیره مخالفت کرد. وقتی که کارگران به گونه ای مستند تخلفات قانون شکنی و فساد هیات مدیره را ثابت نمودند، هیات ضمن پذیرش ناکزیران، محاکمه را بلا موضوع دانست و اعلام داشت هیات مدیره متعهد خواهد شد که دیگر خلاف نکند و "توبه" می کند، پس از توبه محاکمه موضوعیت ندارد. هیات اعزامی متذکر شد که البته اعضای هیات مدیره در صورتی توبه خواهند کرد که اول کارگران دست از اعتصاب بردارند. هیاتهای اعزامی از این پرت و پلاگوشتی طرفی نیستند و دست خالی روانه تهران و تبریز شدند. اعتصاب همچنان ادامه یافت. با تداوم اعتصاب، اختلافات میان جناحهای حکومتی محلی، دامنه گرفت. امام جمعه، فرمانده سپاه و یخشد ارجم خود را برای عزل ملزوماتی جزم کردند. می خواستند بایک تیرد و نشان را بزنند. هم جناح مقابل را تضعیف نمایند و هم اعتصاب را خاتمه دهند. آنها طوسی نامه ای به مقامات مملکتی از حیث و میل اموال و سرمایه های کشت و صنعت توسط هیات مدیره رسماً برده برداشتند. این جناح برای راضی کردن کارگران به ترک اعتصاب، با اشاره به این اقداماتشان، قول دادند بزودی اعضای هیات مدیره دستگیر خواهند شد. در همین زمان به خاطر شدت بارندگی حضور کارگران در محل کشت



و صنعت مشکل شده بود، زیرا ملزوماتی بنا به حکم قبلی در حین بارندگی از حضور کارگران در محل جلوگیری می کرد. با توجه به این شرایط و بادل بستن به اقدامات مقامات محلی در تاریخ ۱۷ اسفند اعتصاب موقتاً متوقف گردید. مبارزه در روزهای بعد با اشکال دیگر و از جمله به شکل طومار نویسی دنبال شد. طومارهایی که امضا هزاران کارگر در پی آنها بود توسط دو نماینده کارگران، در تهران تحویل مقامات طرازا اول مملکتی شد.

در وضعیتی که با مبارزه دلاورانه کارگران کشت و صنعت مغان پدید آمده بود، زیر پای هیات مدیره این مجتمع سست شد. اوضاع منطقه بکلی آشفته گردید. کوسر سوبایی و فساد اعضا هیات مدیره در سراسر منطقه و فرا تر از آن پیچید. مقامات محلی ناچار شدند حکم تحقیق اعضا هیات مدیره را صادر کنند. به دنبال آن فشار کارگران روی محاکمه ملزوماتی و شرکا متمرکز شد. بالاخره دادگاه محل پذیرفت احکام محکومیت اعضای هیات مدیره را اعلام نماید. نتیجه محاکمه، در روزنامه کیهان در ششم فروردین درج شد. اما از میان آن احکام، تنها حکم محکومیت یکی

کارگران را تابع مستقیم میزان تولید می کسرد. ملزوماتی با تحمیل این طرح، در نظر داشت تا آخرین حد ممکن از کارگران، کاریکشد.

### تشدید تنش در میان مقامات

پایداری کارگران و ارتفاع اشکال مبارزه و افزایش مطالبات، بر هراس مقامات دامن زد و تضادهای درون جناحهای حکومتی را افزایش داد. هر کس دیگری را مسئول پرو زاین اوضاع می نامید. به عنوان گامی برای آرام کردن اوضاع و نیل به حرکتی در جهت تصفیه حساب مقامات بایکدیگر، سپاه پاسداران، ملزوماتی را دستگیر ساخت. اما بیش از این نتوانست کاری صورت دهد و ناچار او را به دادستانی "گرمی" (مرکز منطقه مغان) تحویل داد. در آنجا زور جناح مقابل چربید و ملزوماتی را بلافاصله آزاد کردند. او یک راست به پشت میز ریاست در کشت و صنعت برگشت.

پیروزی ملزوماتی در ستیز با جناح مقابل، او را در ادامه سیاستهای پیشین صرتر کرد. بلافاصله پس از ورود مجدداً اعلام داشت هر یک روز اعتصاب معادل دو روز غیبت محسوب خواهد شد و احکام مرخصی اجباری نیز به قوت خود باقی است. اما این قدرت نمایی هیات مدیره به نتیجه ای خلاف انتظارشان انجامید. مبارزه کارگران گسترش و ژرف تر یافت.

به دنبال تاکید مجدداً ملزوماتی بر طرح مرخصی اجباری، بخش غالب کارگرانی که تا این زمان به اعتصاب پیوسته بودند، دست از کار کشیدند. حتی آن دسته از کارگران کشت و صنعت که در روز سناهای اطراف کاری نمودند، به اعتصاب پیوستند. اعتصاب تقریباً بطور کامل یکپارچه و سراسری شد.

علاوه بر گسترش اعتصاب، مطالبات نیز افزایش یافت. در این مرحله کارگران مطالباتشان را به شرح زیر تنظیم کردند:

- ۱- لغو قرارداد های تحمیلی و مرخصی های اجباری.
- ۲- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل.
- ۳- افزایش دستمزد و پرداخت مبالغتاً و
- ۴- پرداخت حق لباس و کفش.
- ۵- لغو اجرای طرح تناژ (طرح سهم از تولید).

۶- محاکمه اعضای هیات مدیره. قاطعیت و استواری کارگران، مقامات مملکتی را به تکیه بر این تاکتیکون و انمود می کردند، در برابر این اعتصاب بی توجه اند، ناچار شدند به مذاکره با کارگران تن در دهند. به این منظور هیات های تهران از سوی نخست وزیر و هیات دیگری از اداره کل کار استان به منطقه وارد شد. اما هدف اصلی آنها رد اثرات دلسرد کردن کارگران از ادامه اعتصاب بود. از میان مجموعه خواسته های کارگران تنها خواسته اولیه آنان مبنی بر لغو مرخصی های اجباری را پذیرفتند، در حالیکه کارگران دیگری آنکذا نمی کردند. هیات اعزامی از سوی نخست وزیر، به ویژه با محاکمه

## قانون خدمت وظیفه عمومی

بقیه از صفحه اول

اعلام داشت که مشمول تا زمانی که خود را معرفی نماید این محرومیت ها (در ماده ۱۰ قانون) به همراه اوست و قادر به هیچ کاری در جامعه نیست. ماده ۱۰ قانون که باید نقش "ضمانت اجرایی" قانون را ایفا نماید، اعلام می دارد که برای انجام امری چون شرکت در آزمایشات رانندگی و اخذ گواهینامه، دریافت هرگونه وام و کمکهای کشاورزی و صنعتی و دامداری و مسکن، کاندیدا شدن برای هر نوع انتخابات، تحویل اصل گواهینامه تحصیلی، دیپلم و بالاتر، صدور پروانه کسب و اجازه اشتغال و عضویت در شرکت ها، تعاونی، ثبت هرگونه نقل و انتقال امول بطور مستقیم و غیرمستقیم در دفاتر اسناد رسمی، دریافت مستعری از سازمانهای دولتی و وابسته و نهادهای قانونی، استخدام به هر صورت (رسمی، پیمانی، روزمزد و خرید خدمت) در وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و نهادهای قانونی و شرکت های دولتی و ... باید کارت پایان خدمت و یا معافیت ارائه گردد. مطابق مفاد این قانون حتی کسانی که تاکنون به دلایلی معافیت دوره (۲ سال) دریافت نموده اند، به خدمت احضار خواهند گردید و "از حقوق و مزایای (۱۱) مشمولین دوره احتیاط هم طبقه" خود استفاده خواهند نمود. برای مقابله با سیل روزافزون استعفاء نظامیان و یاسداران قانون تهدید می نماید که دوره های آموزشی و خدمت آنان را چنانچه ازد و

سال کمتر باشد، به رسمیت نخواهند شناخت و آنان باید با درجه سربازی وظیفه خدمت دوره ضرورت را انجام دهند. حتی کسانی که در حال خدمت هستند نیز، نباید روی این حساب نمایند که بهر حال پس از ۲ سال از خدمت مرخصی خواهند گردید.

ماده ۱۷ هرگونه راهی را بر این امید می بندد و می گوید: "در مواقع ضروری ممکن است بنا به مقتضیات یا پیشنهاد شورای عالی دفاع و فرمان فرماندهی کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (مقام رهبری) مشمولین وظیفه عمومی دوره ضرورت بیش از دو سال به خدمت ادامه دهند و یا قبل از خاتمه دو سال از خدمت مرخص شوند و ...".

مرخص شدن قبل از خاتمه دو سال، در باغ سبز است و تلاشی است برای پوشاندن قسمت اول ماده برای نگاه داشتن نیروهای فعلی در جبهه ها، شورای عالی دفاع و مقام رهبری مدتهاست فرمان "کرم نگاه داشتن جبهه های نبرد حق علیه باطل" را صادر نموده اند. مشمولان مقیم خارج از کشور باید خود را به سفارتخانه های بی ۱۰ معرفی نمایند. کسانی که قبل از سن مشمولی بخواهند به خارج از کشور سفر کنند، باید موافقت وزارت آموزش و پرورش را جلب نمایند. به تقاضای کسانی که ادعای تکفل می نمایند در هیئتی که از اعضای شورای محل، سیاه پاسداران محل، بخشدار محل، و افرادی از این قبیل تشکیل شده است، رسیدگی خواهند کرد. معافیت کسانی که به تحصیل اشتغال دارند، فقط یکسال است و پس از خاتمه آن باید

از نو با ارائه مدارک اشتغال به تحصیل، تقاضای معافیت جدید نمود. کسانی که به دلایل پزشکی تقاضای معافیت نمایند، به قسمتهای غیررسمی و پشت جبهه ها فرستاده خواهند شد. این قانون برای مشمولان فراری تله ای گذارده و می گوید: "مشمولان غایب زمان صلح که خود را در زمان جنگ معرفی نمایند پس از پایان خدمت یا معافیت کارت مربوطه (بایان خدمت) را دریافت خواهند داشت." و این در حال، است که برای زمان صلح چنین می گوید: "مشمولان غایب زمان صلح که در زمان صلح خود را معرفی کنند پس از تعیین تکلیف مسئولیت یا انجام خدمت دوره ضرورت به مدت ۱۶ ماه تا یکسال و مشمولانی که دستگیر شدند به مدت ۲ تا ۴ سال از دریافت کارت پایان خدمت محروم خواهند شد." در عین حال که "قاضی می تواند غایب را به مجازات (تعزیر) دیگری نه خود صلاح بداند بجای مجازاتهای فوق محکوم نماید." و بدینسان خود قانون زمینه عدم اجرای خود را نیز فراهم می نماید. و راه را بر اعمال فشارهای اضافه بر قانون هموار می کند. این قانون ضد مردمی به سرعت برق و پاد از تصویب مجلس و شورای نگهبان گذشت و نخست وزیر آنرا ابلاغ کرد و موسسات مربوطه شروع به تهیه آئین نامه های اجرایی نمودند تا شاید بتوانند بر مقاومت مردم چیره شده و مردم را به "خدمت اجباری" در جنگ ارتجاعی بکشانند. اما بدور از هر بخشنامه و قانونی، مدتهاست که مردم تصمیم خود را با قریاد "جنگ را قطع کنید" ابراز داشتند و در این راه است که می ریزند.

## سه ماه از مبارزه

بقیه از صفحه ۹

موسوی اردبیلی برای حاضرین که از مردم منطقه بودند سخنرانی کرد. ولی در حقیقت مخاطب او تنها کارگران کشت و صنعت بودند. از آنها خواست تا "سرشان را زیر انداخته و مشغول کارشان باشند. در شرایط جنگی اعتصاب و کم کاری حتی تا حکم اعدام مجازات دارد." او بایادآوری اعداد ناخدا افطلسی و دیگر کسانی که همراه او تیرباران شده بودند، گوشت کارگران را مرعوب نماید و سپس از هیات مدیر پشتیبانی کرده و از کارگران خواست تا تولید را افزایش دهند.

کارگران در اعتراض به این سخنان، از شرکت در نماز جمعه سرباز زدند. گروه دیگری از مردم منطقه نیز با آنان همراهی کردند. کارگران ملزوماتی را در مراسم یافته و به او که به کارگران هتاک می کرد، حمله ور شدند. ملزوماتی با کک ژاندارم ها توانست از محرکه بگیرد. کارگران در حین خروج زالی و زیرکشا و رزی از مراسم، راه را بر او بستند و با او به بحث پرداختند. اما پاسخ و زیرتنها فحاشی نسبت به کارگران بود. او نیز از جلو چشم نارگران خارج شد.

## باز هم اعتصاب

طبعاً این هیات بلند پایه نیز نه فقط

گامی به سود کارگران برنداشت، بلکه تنها گوشتید مواضع هیات مدیره را تحکیم نماید. هیات مدیره با توجه به حمایتی که از او صورت می گرفت، همچنان به حرکات ایدئولوژی علیه کارگران ادامه داد. هر روز بهانه تازه ای می تراشید. از دادن عیدی آن سال (سکه بهار آزادی) به کارگران سرباز زدند. پرداخت پاداش نیز معلق گذاشته شد. بالاخره در ۲۶ اردیبهشت طی بخشنامه ای یک باردیگر کارگران به مرخصی اجباری، فرستاده شدند. کارگران نیز یک بار دیگر دست به اعتصاب زدند.

آن دسته از کارگرانی که به اعتصاب پیوسته بودند به پارس آباد رفتند و در مسجد جامع این شهر اجتماع کردند. سپس دسته جمعی به راهپیمایی در خیابانهای شهر، رهسپار اداره مخابرات گردیدند. در این اداره مسئولین را وادار ساختند که تماس تلفنی میان آنان و زالی و زیرکشا و رزی را برقرار سازند. زالی با وعده اینکه بزودی باردیگری رسیدگی به امور کشت و صنعت راهی منطقه خواهد شد. از آنان خواست تا به کار بازگردند.

پس از این مکالمه، حیدری رئیس دادگاه "گرمی" به میانجی گیری برخاست و پیام آیت الله موسوی اردبیلی را به کارگران ابلاغ کرد. اردبیلی در آن پیام با اشاره به شرایط

جنگی کشور از کارگران خواسته بود به کار باز گردند. اما کارگران بازگشت به کار را مشروط به عزل ملزوماتی و اعضای هیات مدیره نمودند. حیدری به آنها قول داد که فقط ظرف ده روز هیات مدیره اخراج خواهد شد. حمایت قاطع و وعده صریح حیدری، کارگران را امیدوار ساخته و به کار بازگشتند.

\*\*\*

این بود شرح سه ماه از مبارزات چندین ساله کارگران کشت و صنعت مغان، مبارزاتی که آنان پس از پایان اشغال مختلف تا به امروز ادامه یافته است. هیچیک از آن وعده هایی که مسئولان رنگارنگ داده بودند، به عمل نرسید. خود ننوشتند. ملزوماتی نه ده روز پس از وعده حیدری و نه هیچ وقت دیگری برکنار نشد. در عوض حیدری را برکنار کردند. همراه با وعده ای دیگر از مقامات محلی نیز بخاطر ناهماهنگی، برکنار شدند. ملزوماتی و شردایک باردیگر مورد تفقد قرار گرفتند. برای ابراز تفقد نسبت به این عنصر ضد انقلابی چندی بعد (در ۱۸ خرداد) هواپیمایی اختصاصی روانه مغان شد تا او و دیگرمدیران کشت و صنعت را به تهران ببرد. ملزوماتی در تهران به حضور مقامات طراز اول مملکتی شرفیاب شد و هریک از آنها او را مورد تفقد و عنایت خاصه قرار دادند.

## برای بررسی امور زندانها کار را به کاردان سپرده اند!

در ایران کسی نیست که آوازه جلادیهای محمدی گیلانی را نشنیده باشد. این خون آشام مثل آب خوردن فرمان اعدام می دهد و تخصصش در ریزه کاریهای قصاص است. از در آوردن چشم گرفته تا رجم و تقطیل.

این جانی سادیست را اخیرا همراه با چند نفر دیگر برگزیده اند تا به "امور زندان و زندانیان" رسیدگی کند! مثلا ببیند آیا کسی را بیپرده در زندان نگه می دارند یا افراد، متناسب با اتهاماتشان محکوم شده اند!

یکی دیگر از همکاران محمدی گیلانی در امر رسیدگی به امور زندانها حضرت شیخ مهدی قاضی خرم آبادی عضو شورای عالی قضایی است. این جناب را مردم خرم آباد به خوبی می شناسند و از نزدیک شاهد کینه حیوانی او نسبت به نیروهای انقلابی بوده اند. باند تحسنت سرپرستی او در سالهای ۵۸ و ۵۹ تخم وحشت در خیابانهای خرم آباد می پراند. اعضای این باند به هواداران نیروهای انقلابی حمله می بردند و آنها را به قصد کشتن می زدند. این باند در شکنجه و کشتن نیروهای انقلابی در لرستان نقش عمده را داشت. حال شیخ مهدی قاضی می خواهد قیافه رشوفی به خود گرفته و زندانها را مورد بازرسی قرار دهد! نتیجه کار از هم اکنون معلوم است. آقایان لابد خواهند گفت بیهوده شایعات گوش ندهید و به قاطعیت خود بیفزائید!

این جناب شیخ مهدی قاضی اخیرا با حمایت از شتی دزد و محتر در خرم آباد بر میزان بی آبرویی خود در این خطه افزود. او وسط مرداد ماه دستیک باند ۱۳ نفره از ایادی این شیخ، در رابطه با احتکارات و تقلب در توزیع آهین روشد. جریان بالا گرفت. ولی ناگهان شیخ مهدی قاضی عضو شورای عالی قضایی پا در میانی کرد، عبای رحمت خود را بر سر این متقلبین کشید و پرونده را بست.

هیئتی با چنین اعضای ما موریت یافت تا "امور زندان و زندانیان" را بررسی کنند که میاد کار خلاف قانون صورت گرفته باشد!

حقیقتا کار را به داندان سپرده اند.



## راه رفع محرومیتها

به مناسبت "دهه وقف" که از امسال به ابتکار گردانندگان رژیم چ ۱۰ در راستای نجات مستضعفین ایران و جهان (۱) برگزار شد، در خصوص اهداف و چگونگی تحقق آن، در کیهان ۱۷ آذر آمده است: "وقف و ایقاف می گوشت تا جامعه ای بسازد که در آن فقر و تنگناهای اقتصادی با آنهمه عواقب زاینخش خبری نباشد. ... همه ساله سازمان اوقاف بیه مناسبتهای مختلف در اعیاد و سوگواریها از محرومین جامعه با غذاهای گرم پذیرایی می نماید."

## آخر و عاقبت "انقلاب فرهنگی"

یک نماینده مجلس:

"من تقاضا دارم هیاتی رسیدگی کنند که چه کسانی دانشگاههای ما را بیضی در آوردند و دانشگاهیان را دلیل و دانشگاهها را خالی از تعدد و هم خالی از تخصص کرده اند و گناهش را بگردن دیگران گذاردند."

(کیهان - ۱۷ آذر)

## چرا نرخ رشوه گران است؟

یک نماینده مجلس:

"دل مردم از بعضی چربانان خونی است. رشوه بیداد می کند. کاری که قبلا با هزار تومان روبرو می شد الان قیمت مقطوعش ده هزار تومان است."

(کیهان - ۲۱ آذر)

## بازار را باید به طلبه ها سپرد

حجت الاسلام احسان بخش، امام جمعه رشت: "شخصا عقیده دارم که باید بخش خصوصی فعال شود و وقت دولت جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت انقلابی، برای کارهای خیلی بزرگ تر از اینها صرف شود. چهار نفر بازاری آلوده را چهار نفر طلبه حریف هستند."

(اطلاعات - ۱۳ مهر)

## تقاضاهای رفاهی

موسوی نخست وزیر:

همین الان که من از مجلس بیرون آمدم نزدیک ۲۰ الی ۳۰ تقاضای رفاهی در مورد سد و راه و ساختمان و بیمارستان از ما شد. طبیعتا این به مشکلات تنظیم بودجه شدیداً فشار می آورد و مقاومت کردن در مقابل این درخواستی که از نظر درونی طبیعی است برای دولت واقعا کار سختی بوده والحمد لله موفق شدیم با تنظیم این بودجه این فشار را مهار کنیم."

## نحوه توزیع مایحتاج عمومی

یک نماینده مجلس:

"کالاهای ضروری مایحتاج عمومی که از کالاهای مختلف دولتی و غیر دولتی توزیع می شود، اکثرا بی رویه و برهمنای روابط و پارتی بازی بوده و هدف اکثر مسئولین توزیع، نفع طلبی و سودجویی می باشد."

(کیهان - ۷ آذر)

## در حاشیه



## نشریه با حجاب

داوودی سرپرست سازمان تربیت بدنی:

"باید در درآمدت با ایجاد سالن در تهران و شهرستانها به فعال کردن ورزش خواهران کمک کرد ولی این که بخواهند مسابقات را بزرگ بکنند و در مجلات ورزش همراه مردها عکشان را چاپ کنند مو رد قبول جامعه متعصب ما نیست و این کار غلط است. نحوه ارائه تبلیغات در این مورد را ما ارائه دادیم که باید روی آن کار شود، بهترین راه پیشنهاد میکنم که یک مجله جداگانه برای ورزش خواهران چاپ شود."

(آزادگان - ۱۷ آذر)

یک سوال از سازمان تربیت بدنی: این مجله چگونه باید توزیع شود تا از دید "برادران" محفوظ بماند؟



## ورزش خواهران

آرم مطالب مربوط به ورزش زنان در روزنامه کیهان

## نقصه بزرگ

یک نماینده مجلس:

"متأسفانه بی توجهی و اهمال آشکار در مورد مدارس دخترانه بویژه مدارس دخترانه راهنمایی و دبیرستان شده که معلمان جوان و بعضی مجرد در اینگونه مدارس و در سطح وسیعی تدریس می کنند که به وزارت آموزش و پرورش بار دیگر متذکر می شویم که در اسرع وقت در رفع این نقیصه که مفاسد فراوانی را در پی دارد اقدام نماید."

(کیهان - ۱۲ آذر)

## روزنامه ها آشغالند

کیهان ۱۲ آذر:

"پنجشنبه گذشته به هنگام تنفس مجلس شورای اسلامی در ادامه گفتگو هایمان با نمایندگان محترم مجلس ضمن تماسی با آقای مهندس موسویانی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی جهت دریافت نظریاتشان در خواست وقت مصاحبه کردیم. متأسفانه ایشان بدون توجه به همه مسئولیت های خود و بدون هیچگونه مقدمه ای فرمودند "من اعتقادی به روزنامه هاندارم زیرا همه آنها آشغال هستند"

## ایران، به اعدام ده تن اعتراض می کند

مقاله ای از روزنامه "مورنینگ استار"

منتشره در ۱۹ دسامبر

جنبش کمونیستی ایران خواستار اعتراض جهانی به اعدام ده تن از رهبران اعتصابی دارخانه ذوب آهن اصفهان شد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اعلامیه مشترکی در رابطه با اعدام های بیشتر هشدار دادند.

رژیم ایران در صدد آن است که ذوب آهن اصفهان را که دو مین مجتمع صنعتی بزرگ بعد از پالایشگاه نفت می باشد، به بخش خصوصی بدهد. ده هزار نفر از کارگران این مجتمع به اعتصاب پیوستند.

پاسداران مسلح رژیم، دارخانه را محاصره و ده نفر از رهبران اعتصابی را در جلوی چشم کارگران دیگر تیرباران کردند.

دو سازمان اعلام داشته اند که در هفت ماه گذشته درحدود ۱۱۰ اعتصاب با مقیاسهای مختلف صورت گرفته است و رژیم از این موج اعتراضات هر روز بیشتر هراسان می شود.

در ماه اکتبر پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تشکیل شد. این پلنوم ضمن تأکید بر ضرورت وحدت همه جانبه با حزب توده ایران، خواستار وسیع ترین اتحاد علیه رژیم کنونی ایران شده است.

سازمان اعلام داشته که حضور تمامی اعضا هیئت سیاسی و اکثریت قاطع هیئت مرکزی سازمان در این پلنوم، خود به تنهایی نشانه قدرتمندی اپوزیسیون است. پلنوم خواستار همبستگی جهانیان برای مقابله با اختناق وحشیانه رژیم شد.

پلنوم اعلام کرد که زندانیان سیاسی در ایران به ده ها هزار نفر می رسد که مرتباً زیر شکنجه می باشند و هر روزه اعدام های بیشتری می رود. بسیاری از زندانیان شاهد اعدام هم بند هایشان بوده اند و بعضی از آنها را مجبور می کنند تا در اعدام دیگر زندانیان شرکت نمایند.

در شرایط بین المللی پیچیده و دشواری که به ویژه پس از استقرار موشک های هسته ای آمریکایی در خاک آلمان فدرال پدید آمده است لازم میدانیم یکبار دیگر به نام همه اعضا و کادرهای سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) به همبستگی مستحکم و عمیق با سازمان برادر، جوانان کارگر سوسیالیست آلمان تأکید و رژیم ما هردو بخشی از یک جنبش فراگیر جهانی برای صلح، کار، همبستگی ضد امپریالیستی، ترغیبی اجتماعی و سوسیالیسم هستیم که برنده نهایی تاریخ خواهد بود.

## کنگره جوانان کارگر سوسیالیست آلمان عرصه همبستگی جهانی برای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم

و در واقع نیروهایی هستند که سازمان جوانان کارگر سوسیالیست به مثابه پیشرو انقلابی جنبش جوانان کارگر آلمان باید و سببترین روابط را با آنان برقرار سازد. طبق گزارش ارائه شده به کنگره از ۷۵۷ تن نماینده ۴۲/۱ درصد از زنان جوان تشکیل می دادند ۱۱۱ تن از نمایندگان کارگر، ۱۶۶ تن کارمند و ۱۶۲ تن کارآموز فنی بودند. در حاشیه کنگره به ابتکار کمیته تدارک فستیوال و فدراسیون جهانی جوانان دموکرات جشتی در استادیوم ورزشی وستفالن واقع در دورتموند برگزار شد که همه نمایندگان و میهمانان کنگره در آن شرکت جستند. جشن دورتموند به نشانه همبستگی با نیلاراکوئسه محکومیت سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در آمریکای مرکزی برگزار شد.

استقبال پر شور نمایندگان کنگره از میهمانان خارجی باردیگر تأکیدی بود بر خصلت عمیقاً انترناسیونالیستی سازمان جوانان کارگر سوسیالیست آلمان.



رفیق هربرت میس صد رز حزب کمونیست آلمان فدرال در کنگره (اس.د.آ.یت)

از طرف سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) پیام مشترکی به کنگره ارائه شد، در بخشی از پیام آمده است:

"شرکت ما در کنگره شما نشانه همبستگی و روابط عمیق دوستانه جنبش سوسیالیستی جوانان کارگر در کشور شما و جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی جوانان ایران که سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) از دل آن برآمده اند می باشد ..."

با وجود شرایط بسیار دشوار کنونی، جوانان انقلابی مین ما به انجام وظایف انترناسیونالیستی خود بهای بسیار می دهند و به ویژه کوشش دارند در جنبش جهانی صلح نقش شایسته ای را ایفا کنند. جوانان ما مبارزه جنبش مرفی جوانان آلمان فدرال علیه سیاست نظامیگری و تسلیحاتی حاکم، مبارزه و تعرض به حقوق اجتماعی و دموکراتیک مردم را با دقت پیگیری میکنند ..."

هشتین کنگره سازمان جوانان کارگر سوسیالیست آلمان فدرال، در روزهای پانزدهم و شانزدهم دسامبر سال جاری، در شهر پوتروپ برگزار گردید. در این کنگره در کنار ۷۵۷ نماینده، جمعی از اعضای رهبری حزب کمونیست آلمان از جمله رفیق هربرت میس صد ر حزب، حضور داشتند.

مبارزات جوانان کارگر سوسیالیست (اس.د.آ.یت) به مثابه پیشرو انقلابی جنبش جوانان کارگر آلمان در راه صلح، تشنج زدایی دموکراسی و سوسیالیسم مورد تحسین و احترام سازمانهای جوانان کمونیست و دموکرات جهان قرار دارد. آنان با اعزام هیئت های بلند پایه به این کنگره ضمن نمایش احترام خود بر اهمیت و اعتبار آن افزودند. سازمانهای جوانان تقریباً همه کشورهای سوسیالیستی، سازمانهای جوانان احزاب کمونیست اروپا، آسیا و آمریکای لاتین و کشورهای دموکراتیک و انقلابی نمایندگان به کنگره میزبانان داشتند. از میان آنان می توان از رفیق ویکتور میشین دبیر اول کمیته مرکزی اتحادیه لنینی جوانان شوروی (کسو مول) خانم سوتالسا ساویسکایا اولین زن فضا نورد که پا در فضا گذاشت و دبیر کل اتحادیه بین المللی جوانان دموکرات را نام برد. به دعوت سازمان جوانان کارگر سوسیالیست آلمان فدرال دو هیئت نمایندگی از سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) و سازمان جوانان توده ایران نیز در کنگره شرکت جستند.

نمایندگان در طول دو روز رؤسوس سیاست و وظایف تاکتیکی اعضا و کادرهای سازمان را تعیین نمودند.

رفیق بریگیت راد و ضمن قرائت گزارش هیئت رهبری تأکید نمود: پاسخ ما به چرخش به راست و سیاست نیروهای راست ارتجاعی که هم اکنون در آلمان فدرال برهمنند قدرت نهشته اند یک پاسخ عطفی است. عمل مبارزه عبارتست از تقویت جنبش جوانان کارگر آلمان و بدین منظور "اس.د.آ.یت" باید به یک نیروی توده ای و معظم فرا برود.

طبق آمار ارائه شده توسط رفیق بریگیت راد و سازمان جوانان کارگر سوسیالیست در ۱۹۶۱ واحد تولیدی و خدماتی دارای تشکیلات میباشد که این رقم از زمان تشکیل کنگره هفتم سازمان در سال ۱۹۸۱ به دو برابر رسیده است. با این حال هنوز عرصه بسیار وسیعی برای تبلیغ و بسیج نیرو در مقابل اعضای سازمان گشوده است. به طور نمونه یک میلیون و صد و پانزده هزار تن از اعضای سندیکا های مختلف که همگی در تشکیلات واحد سندیکایی آلمان به نام (د.ک.ب.) - سازماندهی شده اند کمتر از ۲۵ سال داشته

## دفاع از زندانیان سیاسی ایران در هندوستان

## چند دیگر

روز ۳۰ اکتبر امسال، گرد هماییی پر شوری در شهر چند پیکر هند و ستان در دفاع از زندانیان سیاسی ایران و محکوم ساختن سیاستهای سرکوبگرانه و جنگ افروزان رژیم ج ۱۰ تشکیل گردید. در این گرد همایی نمایندگان احزاب و سازمانهای زیر شرکت داشتند:

- ۱- حزب کمونیست هند - چند پیکر
- ۲- حزب کمونیست هند (مارکسیست) - چند پیکر
- ۳- حزب سوسیالیست دموکراتیک - پنجاب
- ۴- حزب کنگره (ایندیرا) - چند پیکر
- ۵- سازمان صلح و همبستگی - چند پیکر
- ۶- اتحادیه معلمان چند پیکر
- ۷- حزب خلق (جاناتا) - چند پیکر
- ۸- اتحادیه نویسندگان پنجابی زبان
- ۹- اتحادیه کارگری کنگره (ایندیرا) - چند پیکر

۱۰- فدراسیون سراسری دانشجویان هند  
۱۱- فدائیان خلق ایران (اکثريت) - هند  
این گرد همایی با سخنرانی یک رفیق فدایی آغاز شد. سخنران ضمن تشریح اوضاع سیاسی ایران و خیانت رهبران جمهوری اسلامی به هدفها و آرمانهای انقلاب وضعیت زندانیان سیاسی در سیاهچالهای رژیم را توصیف نمود و سپس به افشای جنسک افروزیهای جمهوری اسلامی و اثرات پشیمانی رژیم بر ادامه جنگ خانانوسوزی عراق پرداخت و آنگاه اهمیت همبستگی نیروهای مترقی کشورهای مختلف با زندانیان سیاسی ایران و ضرورت افشای رهبران خیانتکار رژیم جمهوری اسلامی را در عرصه بین المللی، بازگو کرد.

همه سخنرانان بعدی جلسه از جانب احزاب و سازمانهای خود همبستگیشان را با

## ایران همبستگی کمونیستهای فرانسوی با مردم ایران، در جشن روزنامه "مارسیز"

در روزهای ۱۷ و ۱۸ نوامبر شهر ماریسی شاهد برگزاری جشن پرشور روزنامه "مارسیز" ارگان محلی حزب کمونیست فرانسه بود.

در این جشن مردمی، رفقای فدایی و توده ای غرفه مشترکی برپا کردند که با شعارها و پوسترهایی در رابطه با زندانیان سیاسی، جنگ ایران و عراق و ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی در ایران برای پایان دادن به حاکمیت ارتجاع، تزئین شده بود.

در طی جشن، عده بسیاری از کمونیستهای و نیروهای دموکرات این منطقه از غرفه ایران بازدید به عمل آورده و با امضای کارت پستالهای اعتراضی نسبت به اختناق و سرکوب در ایران، همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران، بویژه زندانیان سیاسی میهن ما ابراز داشتند. روزیکشنبه ۱۷ نوامبر رفیق ژان کلسود گاسیت، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست فرانسه

قبل از سخنرانی خود در محل جشن، از غرفه مشترک حزب و سازمان بازدید کرد و با انقلابیون اسیر در شکنجه گاههای جمهوری اسلامی، اعلام همبستگی نمود.

ازین دیگر بازدیدکنندگان از غرفه، می توان رفقای هریمیه عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست فرانسه و نماینده مجلس، روبرت پیرت مسئول فدراسیون حزب در استان پو شرون، ژان توتل تسمه سرد پیرو روزنامه مارسیز، کریستین دین عضو دفتر در آل حزب و لوسین پوننرو مسئول روابط خارجی حزب در فدراسیون پو شرون و رانام برد. همه این مسئولین برجسته حزب کمونیست فرانسه یک بازدیدگر همبستگی خود و کمونیستهای فرانسوی را با مردم ایران و مبارزات حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) مورد تأیید قرار دادند.

## افشاگری در مورد تداوم جنگ ایران و عراق در ایتالیا

در روز شنبه ۱۰ اکتبر، به مناسبت تجدیدیل "هفته جنگ" به هفته مبارزه برای صلح، از سوی هواداران سازمان و هواداران حزب توده ایران در ایتالیا، نمایشگاه عکسی از صحنه ها جنگ و کشتار و ویرانی های ناشی از آن، در شهر فرارا برگزار گردید که مورد استقبال بسیار بازدیدکنندگان قرار گرفت.

این نمایشگاه در کناره مرکز "کمیت صلح" شهر که در آن روز در حال جمع آوری امضا برای برچیدن پایگاههای موشکی آمریکا از جنوب ایتالیا بود، برپا گردید. بسیاری از مردم شهر بعد از امضای فراخوان "کمیت صلح" به بازدید از نمایشگاه پرداخته و از ادامه جنگ ایران و عراق و جنگ افروزیهای رژیم جمهوری اسلامی ابراز تنفر کردند.

در طول برگزاری این نمایشگاه صد ها

نسخه از ترجمه ایتالیایی اعلامیه مشترک کمیت مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و کمیت مرکزی حزب توده ایران در مورد چهارمین سالگرد آغاز جنگ و اعلامیه کمیت همبستگی دانشجویان دمکرات ایرانی و جبهه میهنی عراق، پخش گردید که نقش تبلیغی وسیعی داشت.

خبرگزاری این نمایشگاه و استقبال مردم از آن، در روزنامه "اوانیتا" ارگان حزب کمونیست ایتالیا درج شد.

نظیر این آکسیون در روزهای ۱۶ تا ۲۱ نوامبر در شهر پادوا برگزار گردید. در این شهر نیز نمایشگاه عکس در مورد جنگ که در یکی از مراکز پر رفت و آمد پادوا برپا شد، مورد بازدید عده بسیاری از مردم قرار گرفت.

مبارزات مردم ایران اعلام نموده و پیگرد، شکنجه و اعدام انقلابیون و نیز تداوم جنگ ایران و عراق را محکوم ساختند. این سخنرانان ضرورت استمرار چنین گرد همایی ها را بیان کرده و با تشکیل کمیته ای با عنوان "کمیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران در شهر چند پیکر" موافقت نمودند.

در قطعنامه پایانی این گرد همایی "کمیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران در شهر چند پیکر" موجودیت خود را اعلام کرد.

## جی پور

در پی افشاگریهای وسیع نیروهای انقلابی ایران بویژه فدائیان خلق (اکثريت) در هند و ستان اکنون بسیاری از گرد همایی های نیروهای ترقیخواه در این کشور به مسائل جامعه ایران نیز توجه می شود. بخشی از وقت جلسه شورای عمومی "مرکز اتحادیه های کارگری هند" نیز که از تاریخ ۲۷ تا ۳۰ سپتامبر در شهر "جی پور" برگزار شد، به این موضوع اختصاص یافت. در این جلسه قطعنامه زیر به تصویب رسید.

## سرکوب فعالین سیاسی در ایران

ما شرکت کنندگان در جلسه شورای عمومی "مرکز اتحادیه های کارگری هند" که از تاریخ ۲۷ تا ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۴ در شهر "جی پور" برگزار شد، سرکوب نیروهای مترقی توسط دولت ایران را محکوم می کنیم. دولت ایران فعالین سیاسی و نیروهای مترقی را دستگیر کرده و بدون هیچگونه محاکمه ای آنها را تحت فشار و شکنجه قرار می دهد. ما خواهان آزادی فوری فعالین حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و دیگر نیروهای انقلابی هستیم.

گرد همایی ما هم چنین نگرانی خود را درباره تداوم جنگ ایران و عراق اعلام می دارد و خواهان خاتمه جنگ و برقراری فوری صلح و آرامش بین دو کشور می باشد.

از سوی شورای عمومی مرکز اتحادیه های کارگری هند: نرسیا ماچکر بورتیسی

## کارناتاکا

نشریه "پرچم سرخ" ارگان کمیت ایتالیایی حزب کمونیست هند و ستان در "کارناتاکا" مقاله ای با عنوان "سرکوب آزادیها و نقض حقوق بشر در ایران" به چاپ رسانده است. در این مقاله بعد از بررسی روند انقلاب ایران مواردی از سرکوب وسیع نیروهای انقلابی و نقض حقوق بشر در ایران پر شده و شفافست این مقاله بر روی همبستگی کمونیستهای و نیروهای انقلابی هند با حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) تأکید نموده و خواهان آن گردیده است که همه مردم آزاداندیش و صلح دوست هند صدای خود را علیه حاکمیت جمهوری اسلامی و کشتار مردم بی گناه در ایران بلند کرده و خواستار آزادی زندانیان سیاسی در این کشور شوند.

## تناقض های بازار نفت

مقاله ای از آندره آسمان برگزیده از

نشریه عصر جدید، شماره ۴۷

در نیمه دوم اکتبر، بار دیگر توجه جهان تجارت به تحولات چشمگیر بازار نفت جلب شد. یک سال و نیم پس از آنکه سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در مارس ۱۹۸۳ قیمت استاندارد بین‌المللی (نفت سبک عربی) را به ۲۹ دلار برای هر بشکه (۲۰۰ دلار برای هر تن) کاهش داد، این سازمان، کم‌از ۱۳ کشور رشد یابنده تشکیل شده است، ناچار شد تلاشهای جدی برای حفظ این سطح و جلوگیری از ادامه کاهش قیمت‌ها به عمل آورد.

این بار نیز مانند اوایل ۱۹۸۳، بریتانیا و نروژ که در سالهای اخیر به صادرکنندگان عده نفت تبدیل شده‌اند، اوپک را در بازار نفت به مبارزه طلبیدند. این بار نیز مانند گذشته، این دو کشور در واسطه اکتبر رسماً قیمت نفتشان را که طبق قرارداد های دراز مدت، از دریای شمال استخراج می‌کنند، ۵/۵ درصد کاهش داده و از ۳۰ دلار به بشکه ای ۲۸/۵- دلار رساندند. روز بعد، نیجریه نیز که قبلاً بهای نفت خود را دو دلار کم کرده بود، از بریتانیا و نروژ پیروی کرد. این کشور آفریقایی، که نوع مشابه نفت سبک دریای شمال را صادر می‌کند، از آن نگران است که رقیبان آن در دریای شمال، بازارهایش را تسخیر کنند. بدین ترتیب، یک عضو و علناً تصمیمات مشترک اتخاذ شده را نقض کرد.

بازار جهانی نفت، دچار شک دیگری - شد، و خطر واقعی جنگ علنی بر قیمت‌ها ایجاد گردید. ممکن است در این میان کشورهای صادرکننده، بخش مهمی از درآمد ارزی خود را از دست بدهند و استخراج نفت در تاسیسات گران قیمت نفتی شمال آلاسکا برای صاحبان منابع نفتی این منطقه صرف نماند. بانکهای فرامیلتی، نگران باز پرداخت وام‌هایشان از جمله توسط مکزیک، نیجریه، الجزایر و اندونزی شده‌اند. بریتانیا نیز نگران کاهش نرخ لیبره است. بنا بر این، غرب به هیچ وجه به کاهش قیمت نفت علاقمند نیست.

می‌توان گفت این امر، نخستین تناقض تناقض در گامی است که بریتانیا و نروژ برداشته‌اند. تناقض دوم هم وجود دارد. در حالیکه آمریکا و ژاپن هم اینکه یک فاز بحران اقتصادی را پشت سر گذاشته‌اند، نشانه‌های رونق در اقتصاد اروپای غربی نیز دیده می‌شود. بنا به تخمین آژانس بین‌المللی انرژی، مصرف نفت جهان سرمایه‌داری در سال جاری ۳ تا ۳/۵ درصد افزایش می‌یابد و با آغاز فصل سرما در نیم کره شمالی تقاضا برای مواد سوختی بیش از ۵ درصد بیشتر خواهد شد. افزون بر این، مصرف - کنندگان مطابق معمول باید در پاییز شروع به

پرکردن ذخایر خود کنند که در حال حاضر، مقدار آن بسیار کم است. برای نخستین بار در سه سال گذشته، واردات نفت کشورهای صنعتی سرمایه‌داری بار دیگر افزایش یافت.

اما در حقیقت، قیمت‌های بازار نفت همچنان بسیار ناپایدار و متغیر است. در حال حاضر، تا حد یک سوم کل خرید و فروش نفت در بازار رو تر دام هلند انجام می‌گیرد. در این بازار، معامله‌های کوتاه مدت و پراکنده صورت می‌گیرد. قیمت واقعی، ماهیاست که پایین تر از نرخ رسمی اوپک است، چرا که اغلب، عرضه بیش از تقاضای فزاینده است.

این امر را پیش از هر چیز بدین ترتیب می‌توان توضیح داد که بریتانیا استخراج نفت خود را به حدود ۱۳۰ میلیون تن در سال افزایش داده و در صدد است - مشتریهای سابق و آتی اوپک را به هر قیمت جلب نماید.

افزایش آژمندانه نرخ بهره‌های بانکی توسط آمریکا، به فرار سرمایه از اروپای غربی به ایالات متحده و افزایش بی‌سابقه بهای دلار انجامیده است. از سوی دیگر، بهای

نفت همواره به دلار پرداخت می‌شود. از این رو، کشورهای دیگر باید برای هر تن نفت تقریباً یک چهارم بیش از آمریکا بپردازند. بریتانیا به علت اعصاب معذب‌ان، واردات نفت سنگین خود را که معمولاً بالا است، باز هم افزایش داد تا با تولید نفت سیاه، کمبود زغال سنگ را جبران کند.

لندن تصمیم گرفت به کشورهای اوپک ضرب‌شستی نشان دهد. از طریق کاهش بهای نفت بازار فروش خود را گسترش داد. با این گمان که خواهد توانست ضرر ناشی از کاهش بهای را با افزایش فروش جبران نماید.

البته برخی کشورهای اوپک نیز به سود خود از قیمت رسمی تخطی کردند. در نیمه اول سال جاری، میزان کل استخراج نفت در کشورهای اوپک بیش از رقم قراردادی ۸۷۵ میلیون تن (۱۷/۵ میلیون بشکه در روز) بود و تنها در ماه اوت ۵۵ میلیون تن کاهش یافت. کویت، قطر و اندونزی به استخراج نفت بیش از مقدار تعیین شده ادامه دادند. نیجریه برای این کار، اجازه رسمی گرفت. ایسرا - قیمت نفت خود را ۳ دلار کاهش داد. عربستان سعودی نیز در رو تر دام نفت سنگین را به بهای بسیار ارزان می‌فروشد.

اما با توجه به خطر موجود، کشورهای اوپک بار دیگر اراده خود را برای مبارزه بخاطر منافع مشترک، نشان دادند. عربستان سعودی به فعالیت ویژه‌ای دست زد. درآمد این کشور از صادرات نفت، از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است. اکنون ریاض برای تحقق برنامه زیر ساخت صنعتی خود، و از جمله برای تقویت ظرفیت پالایش نفت و پتروشیمی، مجبور است بخشی از مبالغ عظیم پس‌انداز خود

در خارج را برداشت کند. در ژنو، کنفرانس - اضطراری وزرای نفت کشورهای عضو اوپک و مکزیک و مصر تشکیل شد و دستور کار کنفرانس ویژه اوپک (از ۲۹ تا ۳۱ اکتبر در ژنو) را تعیین کرد.

اوپک تصمیم گرفت حجم کل استخراج نفت در کشورهای عضو را به میزان ۸/۵ درصد، از ۱۷/۵ میلیون بشکه به ۱۶ میلیون بشکه در روز - و یا از ۸۷۵ میلیون تن در سال به ۸۰۰ میلیون تن در سال - کاهش دهد تا از این طریق، از فشار وارده بر بازار نفت کاسته شده و قیمت رسمی پشتوانه بیابد. بار اصلی را در محدود کردن استخراج نفت عربستان سعودی به دوش گرفت. با این حال، این کشور همچنان بیش از سایرین تولید می‌کند. رقم تعیین شده برای میزان تولید نفت برخی از کشورهای دیگر نیز پایین آمد. در اهک اطمینان داده می‌شود که تصمیمات اتخاذ شده، تنها برای مدتی کوتاه است و با شروع زمستان، وضع بازار بهتر خواهد شد. آینده نشان خواهد داد که آیا چنین است یا نه.

بسیاری امر به این بستگی خواهد داشت که کشورهای اوپک نه تنها در حرف، بلکه در عمل نیز تصمیمات اتخاذ شده را رعایت کنند. رقبای اصلی اوپک، یعنی بریتانیا و نروژ، به هیچ وجه در نظر ندارند روی مساعد نشان دهند، و استخراج خود را پیوسته افزایش می‌دهند. کشورهای نواستقلال بار دیگری می‌بینند که امپریالیسم همچنان بدترین دشمن آنهاست. از سوی دیگر، غرب نیز باید عزم فزاینده این کشورها به دفاع از منافعشان را به حساب آورد. و این، به هیچ وجه یک تناقض نیست.

## مروری کوتاه بر...

بقیه از صفحه ۶

عامل موثری در تغییر به سمت رشد باشد و به قول معروف طفل گریز پای را جمعه به مکتب آورد. ولی فیلمهای تکراری که برخی مواقع به مسابقات فوتبال تکراری تبدیل می‌شوند و برنامه‌هایی که صرفاً برای پرکردن زمان پخش می‌شوند، نمی‌توانند طفل گریز پای را جمعه

به مکتب آورند و در عوض به عواملی تبدیل می‌شوند که برخی مواقع متأسفانه تلویزیون با آکواریم اشتباه می‌شود. مردم چه آنها که نماز جمعه را هرگز ترک نمی‌کنند و چه آنها که ترجیح می‌دهند گاهی به دیزین و لشکرک و آپچی پرونداز برنامه‌ها راضی نیستند. اگر قرار است همین روال ادامه یابد بهتر است ساعات پخش برنامه‌ها را به حداقل رسانده و لااقل از صرف هزینه‌های گزاف

ممانعت بعمل آورد تا بیت‌العال بی دلیل صرف

نشود.

رویدادهای  
جهان

## معاون اول صدر شورای انقلاب افغانستان

برگزیده شد

هیأت رئیسه شورای انقلاب جمهوری دموکراتیک افغانستان، سپید عبد القادر نامزد عضویت در دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را که سمت وزارت دفاع را برعهده داشت، به عنوان معاون اول صدر شورای انقلاب منصوب کرد. خبرگزاری افغانی باختر ضمن گزارش این خبر، می افزاید هیأت رئیسه شورای انقلاب، سرتیپ ناظر محمد عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را که پیشتر از این، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری بود، به سمت وزیر دفاع ملی برگزید.

## محکومیت امپریالیسم خبری در کنفرانس

بین المللی کابل

کنفرانس "سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا" (آپسو) در کابل پیوند تنگاتنگ مبارزه علیه امپریالیسم خبری و ایجاد نظم بین المللی نوین خبری، با مبارزه جهانی در راه محو تشوهرهای بین المللی را مورد تأکید قرار داد. این کنفرانس که چهار روز به طول انجامید طی قطعنامه پایانی خود اعلام داشت انحصارات خبری فرامیلتی غرب، آسیب فراوانی به تلاش کشورهای در حال رشد برای تحکیم استقلال و حاکمیت ملی خود و ساختمان نظام اقتصادی مستقل خویش می رساند. کنفرانس آپسو با اشاره به کارزار تبلیغاتی علیه افغانستان و نیتراکوئه، تأکید کرد امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، رسانه های گروهی تحسنت کنترل خود را بعنوان ابزار اعمال قدرت برای تحقق اهداف تباد و زکارانه خویش به کار می گیرد. کنفرانس، طی نامه ای به آدامو مختار امپو دبیرکل یونسکو خروح آمریکا و بریتانیا زینو نسکو را بعنوان تلاشی برای باج گرفتن از این سازمان ارزیابی کرد. نمایندگان کنفرانس، که از ۳۰ کشور و چهار تاره به کابل آمده بودند، به اتفاق آرا پیامی خطاب به مردم رد ولت افغانستان را مورد تصویب قرار دادند و در آن، همبستگی همه نیروهای ترقیخواه و میهن پرست آسیا، آفریقا و آمریقای لاتین با مبارزه این کشور غیرمتعهد علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی خود را برانمودند.

## پر تاپ سفینه شوروی به زهره

در اتحاد شوروی، سفینه خود کارسیاره نورد بنام "وگا-۱" به فضا پرتاب شد. این سفینه و سفینه "وگا-۲" که در روز ۲۱ دسامبر سفر فضایی خود را آغاز کرد، به پژوهش کسره زهره و ستاره دنباله دار "گالی" خواهند پرداخت. ستاره دنباله دار نامبرده، هر ۷۶

سال یک بار در آسمان زمین ظاهر می شود. سفینه "وگا" پس از قرارداد ن ماهواره های در مدار زهره برای مطالعه و تحقیق پیرامون این کره، مسیر پرواز خود را تحت تأثیر میدان جاذبه زهره تغییر داده و به سوی ملاقات با ستاره دنباله دار "گالی" رهسپار خواهد شد. این ملاقات در سپتامبر سال ۱۹۸۶ انجام خواهد گرفت.

## نخست وزیر هندی

## خواهان تحکیم وحدت غیر متعهد ها گردید

راجیو گاندی نخست وزیر هند نگرانی عمیق خود را از وخامت اوضاع بین المللی، ادامه مسابقه تسلیحاتی و انفجاری بودن وضعیت در مناطق گوناگون جهان ابراز داشت. رئیس جنبش غیر متعهد ها، برنامه ای به عنوان سران کشورهای عضو این جنبش، ضمن اشاره به تشنج اوضاع در آمریکای مرکزی، خاور نزدیک، جنوب آفریقا و حوزه اقیانوس هند نوشته است و خامت اوضاع بین المللی برای کشورهای در حال رشد و کل جنبش غیر متعهد ها خطرناک است. نخست وزیر هند همچنین تصمیم خود مبنی بر کوشش برای تحکیم وحدت و همبستگی جنبش غیر متعهد ها و حل سایل این کشورها را مورد تأکید قرار داد. وی خاطر نشان ساخت فعالیت هند در این جنبش، در وهله اول با هدف مبارزه برای صلح و خلع سلاح و نیز تحکیم استقلال کشورهای غیر متعهد انجام خواهد گرفت.

## آمریکا با رد دیگر مانع تشکیل کنفرانس

اقیانوس هند شد

کنفرانس تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح، با ردیگره علت سیاست اشغال تراشی آمریکا و متحدان آن به مدت یک سال به تأخیر افتاد. قرار شده است کنفرانس مزبور در نیمه اول ۱۹۸۶ در کلمبو (سرلانکا) برگزار شود. این تصمیم در کمیته اصلی اول مجمع عمومی سازمان ملل متحد گرفته شد. نماینده ماداگاسکار از این موضوع که کمیته تدارک کنفرانس برای چهارمین بار ناچار شد موعد تشکیل آن را به تعویق بیندازد، ابراز تأسف نمود. نمایندگان سرلانکا هند، اندونزی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن مانع تراشی برخی از کشورهای غربی و همزمان با آن، نظامی کردن اقیانوس هند، از جمله استقرار سلاحهای هسته ای را محکوم کردند.

## حمایت ۹۸ سازمان از پیشنهاد تشکیل

کنفرانس خاور نزدیک

۹۸ سازمان غیر دولتی به مناسبت روز بین المللی همبستگی با خلق فلسطین کسار زاری جهانی برای جمع آوری امضا به سود تشکیل کنفرانس خاور نزدیک را آغاز کردند. طوسی فراخوانی که بطور همزمان در ژنو، ویسین و نیویورک انتشار یافت، این سازمانها را مخاطب نشان ساختند مسئله خاور نزدیک که محور آن مسئله فلسطین است،

تهدیدی جدی برای صلح جهانی به شمار می رود و خواهان برقراری تماس میان همه طرفهای ذینفع گردیدند. سازمانهای مزبور بر حق موجودیت همه کشورهای منطقه به رچارچوب مرزهای مطمئن و مورد شناسایی بین المللی و نیز حق ملت فلسطین برای تشکیل دولت مستقل را مورد تأکید قرار دادند.

دبیرکل سازمان ملل متحد در مراسمی بعنوان سبب روز بین المللی همبستگی با خلق فلسطین در نیویورک، خواستار عقب نشینی اشغالگران اسرائیلی از همه مناطق اشغالی عرب شد. وی همچنین خواهان احترام و به رسمیت شناختن حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی همه کشورهای منطقه و حل عادلانه مساله فلسطین بر پایه شناسایی حقوق انکارناپذیر ملت فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت گردید.

سازمان وحدت آفریقا و سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا (آپسو) نیز دریافته هاین که در آدیس آبابا و قاهره انتشار یافت، حمایت قاطع خود را از مبارزه خلق فلسطین اعلام کرده و خاطر نشان ساختند و ن حل مساله فلسطین هیچ صلح عادلانه و پایدار نخواهد بود.

## اعتراض گسترده علیه جنایت جدید

صهیونیستها در لبنان

روز پنجشنبه سیزدهم دسامبر سربازان اسرائیلی به زور وارد هشت قصبه جنوب لبنان شد و در آنجا دست به اعمال سرکوبگرانه زدند. طی این عملیات، ۴ نفر لبنانی کشته و دهها نفر زخمی شدند. دولت لبنان در سازمان ملل متحد باین جنایت جدید اشغالگران اسرائیلی اعتراض کرد. در نامه نماینده لبنان به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد، ضمن اشاره به کشته و زخمی شدن دهها نفر و بازداشت صد هاتن از مردم هشت روستا، گفته شده مقامات اشغالگر، اجاره ندادند آمبولانسهای صلیب سرخ برای منتقل کردن زخمی ها به بیمارستان، وارد دهکده ها شوند.

در اعتراض به جنایت سیزدهم دسامبر نیروهای صهیونیست، جنوب لبنان شاهد اعتصاب عمومی و گسترده مردم گردید. از سوی دیگر، یک هیأت نمایندگی اتحادیه بین المللی حقوقدانان دموکرات برای بررسی

جنایت اشغالگران اسرائیلی در جنوب لبنان وارد بیروت شده و بازندان این سابق بازداشتگاه انصار که صهیونیستها برای نگهداری اسرای لبنانی و فلسطینی ایجاد کردند، ملاقات نمود. زندانیان سابق انصار در این ملاقات، شرح تکان دهنده ای از شکنجه شدنشان توسط اسرائیلی ها را ارائه نمودند.



## بازگشایی!

در کارخانه لیلاند موتورز، دو سال قبل به دستور مدیریت بهارخوری کارخانه را تعطیل و به نمازخانه تبدیل کردند. مدیریت کارخانه اعتقاد داشت نمازخانه ضروری‌تر از بهارخوری است. در همه این مدت اعتراض کارگران نسبت به این اقدام ادامه داشت، تا بالاخره اخیراً موفق شدند با شدید فشار، مدیریت را به عقب‌نشاندن و بهارخوری را بازگشایی نمایند.

## چند خبر کوتاه از بندر عباس

● در ماه گذشته به پنج تن از درجه‌داران نیروی هوایی در بندرعباس، حکم اعزام، به جبهه جنگ داده شد. سه تن از آنها حاضر نشدند به گشت دم توپ رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شوند، لذا از رفتن به جبهه خودداری کردند. همه تهدیدات فرماندهان برای تسلیم ساختن آنان ره بجایی نبرده از اینرو با اتهام تعدد دستگیر و روانه زندان شدند. با وجود این، این افراد هم چنان تاکید کردند که حاضر به استحقاق هستیم اما به جبهه نخواهیم رفت.

● در اداره آب بندرعباس از سوی مسئولین کمیته ای تحت عنوان کمیته جنگ برپاگردید. هدف این کمیته جذب کارکنان اداره برای اعزام به جبهه است. اما کمیته تا کنون نتوانسته است هیچ يك از کارکنان را برای رفتن به جبهه های جنگ راضی نماید. در پی آن، این کمیته با همکاری انجمن اسلامی تصمیم گرفت کارکنان این اداره را بطور نوبتی و اجباری روانه جبهه نمایند. در اولین نوبت چند هفته قبل به پنج درصد از کارکنان اداره آب ابلاغ شد که باید به جبهه بروند. اما همه کارکنان قاطعانه ایستادگی کرده و حاضر نشدند در جبهه خدمت نمایند. کمیته جنگ اگر چه هم چنان به تشبیهات خود ادامه می دهد اما تا کنون نتوانسته است حتی يك نفر را هم روانه جبهه کند.

● پنج نفر اعضا، بسیج مستضعفین بندرعباس به خاطر دزدی اموال مردم دستگیر و زندانی شدند. این عده عضو باندی بودند که از طریق دست زدن به کارهای غیرقانونی ثروت هنگفتی گرد آورده بودند. تا کنون ۲۷ فقره سرقت این باند افشا شده است.

## کشتار مردم بی خانمان در فردیس کرج

زمین های شهرک فردیس کرج را زمین

شوند. مأمورین شهرستانی که از قبل در محل حضور داشتند با باطوم به مردم معترض حمله کردند. در اثر درگیری گروهی از مردم مجروح گردیدند. مأمورین شهرستانی بالاخره با تیراندازی هوائی توانستند در ساعت سه بعد از ظهر مردم را متفرق کرده و از میدان فردوسی خارج نمایند.

## رژیم می خواهد پزشکان جلاد شوند

دادستانی انقلاب تیراز به جراحان این شهر اعلام کرد که از این پس کار قطع دست و بردن انگشت مسمن برعهده آنهاست. پزشکان به این دستور جنایتکارانه دادستانی اعتراض کرده و گفتند کار پزشکان درمان انسانهاست نه معلول ساختن آنها. اما دادستانی این پزشکان را مورد تهدید قرار داد، در مقابل پزشکان به مقامات مملکتی نامه نوشته و خاطر نشان کردند به هیچ رو زیر بار این حکم نخواهند رفت. در نامه پزشکان قید شده بود که حاضرند کسانی را که در اثر اجرای "قصاص" معلول می شوند، تحت درمان قرار دهند.

دادستانی شیراز برای مرعوب ساختن پزشکان، برخی از آنان را با بهانه هائی از قبیل گرانی نرخ ویزیت و یا هواداری از سازمان های سیاسی تحت پیگرد قرار داده است.

## توضیح

بدلیل مصادف شدن با تعطیلات سال نو میلادی، شماره ۲۹ نشریه اکثريت روز ۱۷ دیماه ۷ ژانویه، منتشر خواهد شد.

## هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رقای فدایی و توده ای درلین شو پینگ (سوند) تأمین کردند

AKSARIYAT

NO:38

MONDAY DEC. 24, 84

Address آدرس

POSTFACH 23007  
6500 MAINZ 23  
W. GERMANY آلمان فدرالP.O. BOX 101  
LONDON N17 6YU  
ENGLAND انگلستانP.O. BOX 88156  
LOS ANGELES, CA 90088  
USA ایالات متحدهC.P. 3125  
00122 OSTIA LIDO (ROMA)  
ITALY ایتالیاP.O. BOX NO 3018  
NEW DELHI-110003  
INDIA هندوستان

خواران مدت ها قبل بدون سند و به صورت قولنامه ای به مردم فروخته بودند و مردم برخی از قطعات خانه های کوچکی ساخته و سکونت کرده بودند. کار ساختمان در دیگر زمین ها هنوز آغاز نشده است. اخیراً زمین خواران قطعۀ زمینی را برای تاسیس مسجد اختصاص داده و سند آن را تقدیم مقامات می کنند. اما این قطعۀ زمین از جملۀ زمین های بود که قبلاً به مردم به صورت قولنامه ای فروخته شده بود. با وجود این بدستور فرمانداری کرج بولدوز برای تسطیح این زمین فرستاده شد و علاوه بر قطعۀ مزبور، قطعات پیرامون آن را نیز تسطیح و تصاحب می کنند. مردم برای مقابله با این توطئه مشترک زمین خوار و فرماندار، تصمیم می گیرند شبانه روی زمین ها کار کرده و خانه سازی کنند. چندان از آغاز کار دسته جمعی اهالی بر روی این زمین ها نگذاشته بود که نفرات سپاه به دستور فرمانداری، وارد شده و مانع کار می شوند. مردم دست به مقاومت زده و درگیری سختی ایجاد می گردد. در اثر تیراندازی پاسداران به مردم دو تن از زخم کشان فردیس کشته شده و عده زیادی مجروح می شوند. در اثر رویارویی خشماکیسن مردم، گروهی از پاسداران نیز مجروح شده و به ماشین های آنان خساراتی وارد گردید.

فردای آن روز (در ۱۲ آبان) دریناه پاسداران کمیته، ماشین های لودر شهرداری وارد شده و علاوه بر اینکه دیوارهای تاسیسات را خراب کردند، همه خانه های نیمه تمام شهرک و تعدادی از منازل مسکونی مردم را نیز ویران ساختند.

## باطوم به جای سهمیه

در روز پانزدهم آبان حدود ۳۸۰ نفر در میدان فردوسی تهران در بر روی ناپیدنی یخی از کمپانی های واردکننده لوازم برقی گرد آمدند. آنها کسانی بودند که پس از ماه ها دوندگی نتوانسته بودند برای دریافت آیفون در این روز نوبت بگیرند. هریک از آنان کارت و شماره و سند منزل مسکونی خویش را به همراه داشت. قیمت آیفون در بازار سیاه سرسام آور است. کسانی که نمی توانستند با بازار سیاه طرف شوند، ناگزیر شدند رنج هفته ها آمد و رفت به این اداره و آن مسجد را تحمل نمایند. کسانی که در پانزده آبان در میدان فردوسی صف کشیده بودند، از شش ماه قبل نوبت گرفته بودند.

در این روز پس از اینکه تنها کمتر از هفتاد نفر سهمیه خود را دریافت کردند، کارمندان کمپانی واردکننده از تحویل جنس به سایرین سر باز زدند. آنها ازدحام مراجعین را بهانه کرده بودند. به مردمی که از ساعت چهار صبح منتظر مانده بودند، گفته شد که دو روز بعد مراجعه کنند. اما مردم حاضر نشدند متفرق

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!